



## سوالات کنکور سراسری عربی سال ۱۳۹۹

### رشته ریاضی

○ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶- ۳۵)

۲۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»: هان ای مردم .....

- ۱) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید...
  - ۲) شما را قطعاً به شکل نر و ماده آفریده‌ایم و ملت‌ها و قبایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرید...
  - ۳) شما را بدون شک به صورت مذکر و مؤنث آفریده‌ایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...
  - ۴) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید...
۲۷. «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَ التَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»:

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می‌دهد!
- ۲) هر کسی که می‌خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!

۳) آن که پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی‌اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می‌دهد!

۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

۲۸. «إِذَا نَعِيبَ عَمَلٍ أَحَدٌ ثُمَّ نَفِهْمُ أَتْنَا كُنَّا مَخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بَدَلِكِ، وَ هَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»:

- ۱) آن‌گاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطا کار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم، که این دلیل بر شجاعت‌مان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطا کرده بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!
- ۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آن‌گاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!
- ۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم آن‌گاه بفهمیم که ما خطا کاریم، حتماً باید به‌خاطر آن عذرخواهی کنیم در حالی که به آن اعتراف‌کننده‌ایم، و این دلیلی بر شجاعت‌مان خواهد بود!

۲۹. «إِنَّ الهمس الذي يمنحك عن التعلّم في الصّف، يضرك ضرراً لا تتنبّه إليه إلا في نهاية السّنة!»؛

- ۱) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۲) در کلاس در گوشی سخن گفتن، تو را از آموختن باز می‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۳) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می‌دارد و به تو ضرر می‌زند به گونه‌ای که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!
- ۴) پیچ‌کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!



۳۰. «هناك سبعة نجوم منيرة كمجموعة من الدُّر بين مئات آلاف نجمة أخرى في السماء تُسمَّى الدَّب الأكبر!»:

- ۱) هفت ستاره نورانی که چون مجموعه‌ای از مروارید در میان صد هزار ستاره دیگر در آسمان هستند، دب اکبر را تشکیل می‌دهند!
- ۲) هفت ستاره درخشان که چون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدها و هزاران ستاره دیگر در پهنه آسمانند، دب اکبر می‌باشند!
- ۳) هفت ستاره درخشان همچون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدها هزار ستاره دیگر در آسمان وجود دارد که دب اکبر نامیده می‌شود!
- ۴) هفت ستاره تابان مجموعه‌ای چون مروارید هستند که در میان صدها هزار ستاره دیگر در پهنه آسمان قرار دارند و دب اکبر نامیده می‌شود!

۳۱. «قوة هذا الإعمار تُسحب الأسماك إلى مكان بعيد على بُعد مائتي كيلومتر من المحيط الأطلسي!»:

- ۱) قدرت این گردباد ماهی‌ها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهی‌ها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!
- ۳) نیروی این طوفان ماهی‌ها را به سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرف‌تر از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهی‌ها را به سمت مکانی دوردست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می‌کند!

۳۲. «عمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»:

- ۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!
- ۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

۳۳. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) لن تكون الحياة دون نقص و لكنّها جميلة دائماً: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت ولی همیشه زیباست!
- ۲) ذهبنا إلى غابة ورأينا هناك آيات ربنا الكبرى: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!
- ۳) طوبى لمن يجنب الكذب وإن كان للمزاح: خوشا به حال کسی که از دروغ گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!
- ۴) إن العين لا تدور في اتجاهين إلا في بعض الحيوانات كالحرباء: چشم بعضی حیوانات مثل حرباء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

۳۴. عَيْن الخَطَأ:

- ۱) تُعينني المعلمة في الدروس الصعبة إئانة: معلم مرا در درس‌های مشکل بدون شک یاری می‌کند!
- ۲) إن العلوم النافعة تُبیر عقل الإنسان و قلبه: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می‌کند!
- ۳) سيملاً لله جميع نواحي الأرض سلاماً شاملاً: خداوند همه نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!
- ۴) ربنا هو الذي يحمينا من شرور الحادثات دائماً: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

۳۵. «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!». عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) تفكر ساعةٍ خيرٍ من عبادة سبعين سنة!
- ۲) الساعة في التفكر أفضل من سبعين سنة العبادات!
- ۳) التفكر في الساعة خيرٍ من العبادة من سبعين السنة!
- ۴) ساعة واحدة من التفكرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!



○ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (٣٦ - ٤٢) بما يناسب النَّصَّ:

يُعدُّ (يُعتبر) صيدُ الأسماك من أكثر المِهَن التي يشتغل بها الإنسان ليدبر عيشه خاصةً في المناطق الساحلية أو المناطق المُحاطة بالبحيرات والأنهار، بحيث تُشكِّل لحومُ الأسماك واحدة من أهمِّ مصادر الغذاء التي يستفيد منه الإنسان في العالم. كما كانت الأسماك مصدرًا غذائيًا مهمًّا للإنسان في العصور القديمة، وقد وُجدت الكثيرُ من النقوش الحجرية القديمة لعصر الفراعنة التي تدلُّ على صيدهم الأسماك وطريقة قيامهم به تغذيتهم عليها، إضافة إلى هذا لم يجد الإنسان صعوبة في الحصول عليها!

تحوّلت مهنةُ صيدِ الأسماك إلى رياضةٍ محبوبه لدى العديد من النَّاس حيثُ يبلغُ من يمارسونها حوالي ملايين من النَّاس. فهناك بعضُ النَّاس حينَ يذهبون إلى المناطق التي تُوجد فيها هذه الإمكانيةُ يشتغلون بالصيد لكنّه بوساطة بسيطة؛ وتحوّلت طرقُ الصيد على مرِّ الزَّمان وتعدّدت الطرقُ المُستخدمة في صيدِ الأسماك!

٣٦. عَيِّن الصَّحِيح: النقوش الحجرية القديمة تدلُّ على أنَّ .....

- (١) النَّاس كانوا يتمنَّون أن يرفعوا مشكلة جوعهم!
- (٢) صيد الأسماك كان مهنةً حديثة لا تتعلَّمها من أجدادنا!
- (٣) مرور الزمان قد سبَّب تحوُّلاً في كيفية صيد الأسماك!
- (٤) مصدرًا غذائيًا وحيداً ومهمًّا من القديم كان لحم الأسماك!

٣٧. عَيِّن الخَطَأ: لماذا كان صيد الأسماك من أهمِّ المِهَن من قديم الزمان للإنسان؟

- (١) لأنَّ السمك كان ثروةً طبيعية يجدها النَّاس في الطبيعة!
- (٢) لأنَّهم كانوا يملؤون ساعات فراغهم بالاشتغال بهذا العمل!
- (٣) لأنَّه كان سهلاً للإنسان أن يحصل عليه ليرفع حوائجه به!
- (٤) لأنَّ صيد الأسماك لا يسدُّ جوعه فقط بل يُساعده على إدارة حياته!

٣٨. عَيِّن الخَطَأ: مَضَى الزَّمانُ وعَلِم النَّاسُ .....

- (١) السُّبُل المختلفة لصيد الأسماك!
- (٢) كيفية استخدام صيد الأسماك كرياضة!
- (٣) كيف يشتغلون بالصيد بالوساطة البسيطة!
- (٤) أنَّ لحم الأسماك هو في كلِّ مكانٍ أفضلُّ مصدرٍ لغذائهم!

٣٩. أذكر ما لم يأت في النَّص:

- (١) الصيادون غيَّروا أسلوبَ عملهم على مرِّ الزمان!
- (٢) هناك طرقٌ كثيرة للصيِّد يعرفها النَّاس كلُّها من القديم!
- (٣) بعضُ النَّاس يملؤون ساعات فراغهم بالقيام بصيد السمك!
- (٤) لم يكن يستفيد النَّاس من الوساطة الثقيلة والحديثة للصيِّد!

○ عَيِّن الصَّحِيح في الإعراب والتَّحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠. «يشتغل»:

- (١) مضارع - للغائب - حروفه الأصلية ثلاثة، ومصدره «اشتغال» / فعل و فاعله «الإنسان»
- (٢) فعل مضارع - للغائب - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله محذوف
- (٣) مضارع - مادته أو حروفه الأصلية «ش، غ، ل»، ومصدره على وزن «انفعال» / فعل و فاعله «الإنسان»
- (٤) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة، و له ثلاثة حروف زائدة / فعل و فاعله «الإنسان» و الجملة فعلية

٤١. «تُشكِّل»:

- (١) فعل مضارع - للمفرد المؤنَّث الغائب (أى للغائبة) / فعل و فاعله «لحوم» و الجملة فعلية
- (٢) مضارع - للغائبة - ماضيه «تُشكِّل» ومصدره «تُشكِّل» على وزن تفعَّل / فاعله «لحوم»
- (٣) مضارع - للمخاطب - حروفه الأصلية «ش ك ل» ومصدره «تشكيل» على وزن «تفعيل» / مع فاعله جملةً فعلية
- (٤) فعل مضارع - للمؤنَّث - له ثلاثة حروف أصلية و حرف و احد زائد (= مزيد ثلاثي) / فاعله «الأسماك» و الجملة فعلية

## ۴۲. «مصادر»:

- ۱) اسم - جمع مكثر أو تكسير (مفرده «مصدر» مذکر) / مضاف إليه، و المضاف: «أهم»
- ۲) جمع مكثر - اسم مكان (فعله «صدر» و مصدره «تصدير») / مضاف، و المضاف إليه: «الغذاء»
- ۳) جمع تكسير - اسم مكان (على وزن «مفعول» من فعل ثلاثي) / مضاف إليه، و المضاف: «الغذاء»
- ۴) اسم - جمع مكثر (مفرده «مصدر» مذکر) - اسم مفعول (مأخوذ من فعل «صدر») / مضاف إليه و مضاف

## ○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

## ۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- ۱) ثَمرة العِلْمِ إخلاص العَمَلِ!
- ۲) عالِمٌ يُنتَفِعُ بعِلْمِهِ حَيَّرَ مِنَ ألفِ عابِدٍ!
- ۳) تُؤدِّي الدَّلَافِين دَوْرًا مُهمًّا في الحَرْبِ و السَّلْمِ!
- ۴) الشَّجَرَةُ الخائِقةُ شُجْرَةٌ تنمو في بعضِ الغاباتِ الأستوائية!

## ۴۴. عین الصحيح:

- ۱) العلماء: هم الذين يعملون لراحة الناس!
- ۲) الخفيف: هو الذي لا يعبد إلا الله الواحد!
- ۳) البحيرة: يدخل ماء الأنهار فيها و هي أكبر من البحر! ۴) يوم الخميس: اليوم السادس من الأسبوع و قبله يوم الجمعة!

## ۴۵. عین الصحيح للفراغ: «نجح سعيدٌ في المسابقة و حصل على الجائزة الذهبية، فهو الفائز.....!»

- الأحد (۱)      الأول (۲)      الواحد (۳)      الأولى (۴)

## ۴۶. عین ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- ۱) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل!
- ۲) رأيتُ مكتبة في مدينتنا كانت من أكبر مكاتب العالم!
- ۳) نُحِبُّ أن نشترى ما نريده بثمن أرخص و نوعية أعلى!
- ۴) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة في الأماكن العامة أبيض!

## ۴۷. عین ما ليس فيه «نون الوقاية»:

- ۱) يُساعدني كلامٌ صديقي لإصلاح نفسي!
- ۲) أقول لزميلي أعنى في حل هذه المسألة!
- ۳) يتمنى أخي أن يصل إلى المراحل العالية في العلم!
- ۴) أعانني صديقي في تعلم دروسي الصعبة فشكرته كثيراً!

## ۴۸. عین الصحيح للفراغين:

- ذهبتُ مع أحد عشر زميلاً من زملائي إلى المكتبة في الساعة السابعة صباحاً، رجعتُ مِنَّا زميلان اثنان و لكننا بقينا خمس ساعات هناك. عند الرجوع كان عددنا ..... أشخاص و كانت الساعة .....
- ۱) عشرة / ثاني عشر!      ۲) تسعة / ثاني عشر!      ۳) عشرة / الثانية عشرة!      ۴) تسعة / الثانية عشرة!

## ۴۹. عین ما فيه الحال:

- ۱) إن شجرة الخبز شجرة عجيبة و تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- ۲) رأيتُ شجرة الخبز و هي تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!
- ۳) رأيتُ شجرة الخبز التي تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- ۴) شجرة الخبز شجرة تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!

## ۵۰. عین ما ليس فيه مفهوم الحصر:

- ۱) لا نأخذ إلى موقف التصليح إلا السيارة المعطلة!
- ۲) لا يستر الناس إلا ما يخافون من عواقب جهره!
- ۳) يتناول هذا المريض أنواع الفواكه إلا التفاح!
- ۴) لم تكن السلامة إلا بالذهن السليم!

○ عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۲۶ - ۳۵)

۲۶. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...»: بگو ای اهل کتاب

- ۱) به سمت سخنی یکسان بین ما و خودتان بیایید که، به جز خداوند را نپرستیم...!
- ۲) به سوی سخنی بیایید که بین ما و شما یکسان بوده است و فقط الله را بپرستیم...!
- ۳) به سوی کلمه‌ای بشتابید که بین شما و ما برابر بوده است و به غیر از الله را نپرستیم...!
- ۴) به سمت کلمه‌ای یکسان بشتابید که بین ما باشد، و این که فقط خداوند را بپرستیم...!

۲۷. «عَلَيْنَا أَنْ نَحْتَرِمَ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ وَ أَنْ نَتَعَايَشَ مَعَ الْمُعْتَقِدِينَ بِهَا تَعَايِشًا سَلِيمًا!»:

- ۱) بر ما است به دین‌های خدای احترام گذاریم و با کسانی که به خدا اعتقاد دارند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۲) بر ما است که به ادیان الهی احترام بگذاریم و با معتقدین به آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم!
- ۳) بر ما واجب است که به ادیان خدایی احترام کنیم و با کسانی که معتقد هستند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۴) بر ما لازم است دین‌های الهی را محترم شمرده با معتقدان به آن زندگی سالمی را داشته باشیم!

۲۸. «الْفُشْلُ تَحْمُلُهُ صَعْبٌ وَ لَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصًا سَتَسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ!»:

- ۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- ۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می‌کنی!
- ۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهد کرد!
- ۴) شکست تحملش سخت است و لیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

۲۹. «كَمْ شَخْصًا نَعْرِفُ أَنَّهُمْ يَعْمَلُونَ بِمَا يَقُولُونَ، فَيُؤَثِّرُونَ عَلَيْنَا تَأْثِيرًا عَمِيقًا لَا نَجِدُ مِثْلَهُ فِي الْأَخْرِينِ؟!»:

- ۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!
- ۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!
- ۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!
- ۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟!

۳۰. «يَسْتَطِيعُ النَّاسُ أَنْ يَقْرَؤُوا مِنَ الْكُتُبِ مَا يَحْبُونَهَا، إِلَّا مَنْ لَيْسَ لَهُمْ فَكْرٌ قَادِرٌ عَلَى تَمْيِيزِ الْمَسْأَلِ!»: مردم می‌توانند.....

- ۱) از کتاب‌ها هر چه دوست می‌دارند بخوانند، جز کسانی که توانایی برای تشخیص امور ندارند!
- ۲) بخوانند هر آنچه را از کتاب‌ها که دوست دارند، مگر آن که قدرت جدا کردن امور را نداشته باشند!
- ۳) از کتاب‌ها آنچه را دوست دارند بخوانند، مگر آنان که فکری قادر بر تشخیص مسائل نداشته باشند!
- ۴) کتاب‌هایی را که دوست می‌دارند بخوانند، مگر این که نتوانند با فکر و توانایی مسائل را از یکدیگر جدا کنند!

۳۱. «هذا المعلمُ قد قام بتشكيل فریقین یجتهد لایبهما فرحین سته أيام من الاسبوع اجتهاداً!»: این معلم.....

- ۱) با خوشحالی به تشکیل دو گروهی اقدام نموده که بازیکنان آن‌ها شش روز از هفته را بسیار تلاش می‌کنند!
- ۲) با شادی به شکل دادن دو گروه که بازیکنان آن‌ها شش روز هفته را به سختی تلاش می‌کنند، اقدام می‌نماید!
- ۳) اقدام به تشکیل دو تیم کرده است که بدون شک بازیکنانش در شش روز از هفته با خوشحال، تلاش می‌کنند!
- ۴) اقدام به شکل دادن تیم‌هایی کرده که بازیکنان‌شان با شادی، شش روز هفته را تلاش فراوان می‌نمایند!

۳۲. «طوبی لمن یعود لسانه علی الکلام اللین حتی لا یخاف الناس منه بل یقبلون علیه!»:

- ۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!
- ۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!
- ۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا این که مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!

۳۳. عین الصّحیح:

- ۱) التفکر ساعتین خیر من العبادۃ ساعات: مدت دو ساعت فکر کردن بهتر از ساعتی از عبادت است!
- ۲) العُقلاء لا یقفون ما لیس لهم به علم: انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقف نمی‌کنند!
- ۳) إن النفس المطننة لا تأخذ اطمئنانها إلا من ربها: نفس مطمئنۀ آرامش از هیچ کس جز از خدا نمی‌گیرد!
- ۴) بعد أن فکّر لحظاتٍ وجد المأمّن الذی کان قد لجأ إلیه قبل هذا: بعد از این که لحظاتی فکر کرد محلّ امنی را که قبل از این به آن پناه برده بود، یافت!

۳۴. عین الخطأ:

- ۱) تجری میاه الشلال من الأعلى إلى الأسفل مُتتالیة: آب‌های آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می‌شوند!
- ۲) راحة ماء المستنقعات کرهية لأنه لا یتحرک: بوی آب مرداب‌ها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی‌کند!
- ۳) لا عجب فی أن تُؤجل أعمالنا الحسنة: هیچ تعجبی نیست که در کارهای خوب‌مان عجله کنیم!
- ۴) لا یغرق فی المدح و الذم إلا الأحمق: فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می‌کند!

۳۵. «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!»، عین الصّحیح:

- ۱) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!
- ۲) أعلم الناس من قد یجمع علی علمه علم الناس!
- ۳) أعلم من الناس الذی یجمع علم الناس إلى علمه!
- ۴) أعلم من الناس هو الذی قد جمع إلى علمه علم الناس!

○ اقرأ النصّ التالی ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما یناسب النصّ:

أولُ خطوة (= قدم) فی تغییر الحیاة هی الاعتناء بالأمر المهمّة و الاهتمام بها. و من جملة هذه الأمور هی معرفة أماننا و أحلامنا و كذلك الأهداف الّتی جعلناها لحیاتنا و السعی وراء تحسینها. و المهمّ هو أن نعلم أن حصول الحیاة السعيدة للإنسان بحاجة إلى التأمّل فی الحیاة الأخلاقية و ارتقائها و كذلك الحیاة الصحیة معاً، لأنّ الصحّة لا تبقى دائماً فإنّ البدن یتعرض لتغییرات جسدية مختلفة و كذلك روحیة و عاطفیة بمرور السنوات! فمن التوصیيات الأكيدة فی هذا الجانب هو الاهتمام بتغذیة الجسد و الذهن معاً و ذلك لتشکیل حیاة متوازنة تناسب التغییرات الجسدية الّتی تحصل له مع الزمن. و من الجدير بالذكر أن ممارسة التمارین الرياضیة المفيدة تُساعد الشخص علی حیاة أكثر صحّة و سعادة فی الجانب الجسدي و الذهني!



### ۳۶. عَيْنِ الصَّحِيح:

- الرياضات البدنية لا تُساعد إلا الجسم!
- الصحة تُستمر في الحياة مادام الإنسان يطلبها!
- التغييرات الجسدية و الروحية و العاطفية لا تظهر لنا إلا بعد زمن قليل جداً!
- من استطاع أن يُميز بين أموره المهمة و بين غيرها، قام بأول خطوة في تشكيل الحياة السعيدة!

### ۳۷. كيف نُعبّر حياتنا للوصول إلى التوازن؟ عَيْنِ الخَطَأ:

- بالقيام بممارسات رياضية تحافظ على صحة الأبدان!
- بالتعرض للتغييرات أمام الأمور و الحوادث و الأشياء!
- بالاهتمام بالجانب الذهني و المحاولة لإخراج الرزائل منه!
- بتغذية البدن بالمواد اللازمة التي تحافظ على سلامة الأبدان!

### ۳۸. ماذا يُعِيننا حين أردنا أن نحصل على السعادة في الحياة؟ عَيْنِ الصَّحِيح:

- الاهتمام الكثير بالأمور الأخلاقية و الصحية!
- قلّة ملاحظتنا إلى مرور الزّمان و تأثيره علينا!
- الاتكاء على آمالنا و أحلامنا يضمن لنا كلّ شيء!
- الصحة الجسدية تُغنى من كلّ شيء فإنّها تضمن السعادة!

### ۳۹. عَيْنِ ما هو أنسب لعنوان النص:

- الحياة السعيدة (۲) الرياضات المفيدة
- الحياة الصحية و أثرها (۳) أثر الصحة في معرفة الآمال (۴)

### ○ عَيْنِ الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

#### ۴۰. «يَتَعَرَّضُ»:

- فعل مضارع - للغائب - ماضيه «تَعَرَّضُ» و مصدره «تَعَرِيضُ» من وزن «تفعليل»
- مضارع - للغائب - حروفه الأصلية ثلاثة، و مصدره «تَعَرَّضُ» / فعل و و مع فاعله جملة فعلية
- مضارع - حروفه الأصلية «ع، ر، ض» و حروفه الزائدة «ي، ت» و مصدره من وزن «تفعلل»
- فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

#### ۴۱. «تُساعد»:

- مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «س ع د» / مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «الشخص»
- مضارع - للمؤنث - حروفه الأصلية «س، ا، د» و مصدره «مساعدة» من وزن «مفاعلة»
- فعل مضارع - للمخاطب - له ثلاثة حروف أصلية و حرف زائد و هو الألف / مع فاعله جملة فعلية
- فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان / فعل و مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «الشخص»

#### ۴۲. «أول»:

- اسم - من الأعداد الترتيبية - مفرد مذكر / مبتدأ، و الجملة اسمية
- اسم - مفرد مذكر - نكرة / مبتدأ و خبره «خطوة» و الجملة اسمية
- مفرد مذكر - من الأعداد الترتيبية - معرفة / مبتدأ و مع خبره جملة اسمية
- من الأعداد الأصلية - للمفرد المذكر - نكرة / مبتدأ و مع خبره جملة اسمية

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳. عین الخطأ فی ضبط حركات الحروف:

- (۱) استلم الادوية فی الصيدلية فی نهاية مَمَرِ المُستوصف!
- (۲) للزرافة صوتٌ يُحذِرُ الحيوانات حتى تبتعد عن الخطر!
- (۳) إنَّ الامتحانات تساعدُ طلابَ المدارس لتعلم دروسهم!
- (۴) على كلِّ الناس أن يتعاشوا مع بعضهم تعاشياً سلمياً!

۴۴. عین المناسب للفراغ: «.....» يجعل الجو لطيفاً و نحن نستفيد منه فی الأيام الحارة!:

- (۱) الحاسوب (۲) تيار الماء (۳) مكيف الهواء (۴) تيار الكهرباء

۴۵. عین الخطأ عن علامات «المؤمن»:

- (۱) ورعه ثابت فی الخفاء و العن!
- (۲) لا يبصر إلا قليلاً عند المصيبة!
- (۳) صدقه دائمٌ عند الخوف و الرجاء!
- (۴) لا يحلم إلا كثيراً عند ما يغضب!

۴۶. عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
- (۲) يجب أن نرى الآخرين أحسن منا!
- (۳) أحسن إلى الناس كما تريد أن يُحسنوا إليك!
- (۴) أكره الأعمال لقطع الثواصل بين الناس هو الغيبة!

۴۷. عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) أنمتى أن أصدع إلى ذلك الجبل المرتفع!
- (۲) لا تحزني يا صديقتي العزيزة على هذه المشكلة!
- (۳) أختي! يجب عليك أن تُعيني برنامجك فی الأسبوع!
- (۴) كان صديقي فی البحر، فنادى: أن لم تُعِينوني أغرق!

۴۸. عین الصحيح للفراغين:

- «ذهبت مع أسرتي إلى سفرة يوم الأحد. طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعنا فی الساعة السابعة صباحاً. كنا خمس ساعات فی الطريق. فوصلنا فی الساعة ..... من يوم ..... إلى بيتنا!».
- (۱) الثاني عشر / الثلاثاء (۲) الثانية عشرة / الأربعاء  
(۳) الثاني عشر / الأربعاء (۴) الثانية عشرة / الاثنين

۴۹. عین الفعل الذي لا يمكن أن يُقرأ مجهولاً (على حسب المعنى):

- (۱) أخبرت الطالبات كلهن بهذا الخبر المهم!
- (۲) أرضعت الأم الحنون ولدها و هو صغير جداً!
- (۳) أرسلت قوانين الشريعة فی الكتب السماوية للناس!
- (۴) أغلقت أبواب المدرسة يوم أمس بسبب الأمطار الكثيرة!

۵۰. عین ما فيه الخبر من نوعيه: الاسم و الجملة:

- (۱) دور الدلافين فی تمييز أماكن تجمّع الأسماك أمر مهم للإنسان!
- (۲) الدلافين عدوة لسمك القرش فحينما تراه تتجمّع حوله و تقتله!
- (۳) هذه الحيوانات تحيرنا جداً فی أسلوب حياتها و كثرة جمالها!
- (۴) الدلفين حيوان ذكي و هو يحب الإنسان و مساعدته مهما أمكن!





رشته انسانی

○ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶- ۳۵)

۲۶. «أرسلنا إلى فرعون رسولا فَعَصَى فرعون الرسول»:

- ۱) به سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
  - ۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!
  - ۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!
  - ۴) پیامبری را به سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!
۲۷. «لا فَرَحَ بِتَعَلُّمِ الطَّيْرَانِ إِلَّا دَنَ بِقَذْفِ نَفْسِهِ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ»:

- ۱) فقط جوجه‌ای پرواز کردن را یاد می‌گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!
- ۲) هیچ جوجه‌ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی‌آموزد!
- ۳) هر جوجه‌ای فقط زمانی پرواز را می‌آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!
- ۴) هیچ جوجه‌ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر این که خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

۲۸. «لا شك أن كيفية استعمال الأعشاب الطَّبِيَّةِ عند الحيوانات الصَّحراوية و الطيور، قد ساعدت الإنسان في صنْع الادوية»:

- ۱) چگونگی به‌کارگیری گیاهان طبّی نزد حیوانات صحرائی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- ۲) چگونگی به‌کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- ۳) بدون شک نحوه‌ی کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرائی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- ۴) بلاشک نحوه‌ی کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

۲۹. «بعضُ اختراعاتِ الإنسان ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم يستطع أن يُدرک ماذا ینفعه و ماذا ینضرّه»:

بعضی از اختراعات انسان...

- ۱) در جهت آباد کردن و ساختن نمی‌باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می‌رساند و آنچه را زیان می‌بخشد بشناسد!
- ۲) در زمینه‌ی آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می‌رساند و چه چیزی ضرر می‌رساند!
- ۳) در عرصه‌ی آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان‌بخش است نمی‌باشد!
- ۴) در مسیر آباد شدن و سازنده بودن نمی‌باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می‌رساند یا زیان می‌زند را بفهمد!

۳۰. «يجب علينا أن نقتصد في استهلاك قوة الكهرباء حتى لا نواجه قَطْعها في الأيام التي نحتاج إليها»:

- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
- ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبه‌رو نشویم!
- ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
- ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع شدنش روبه‌رو می‌شویم به آن احتیاج داریم!



۳۱. «تبادل المفردات بين اللغات يؤثرٌ عليها تأثيراً يجعلها غنيّةً في الأسلوب و البيان!»:

- ۱) عوض کردن واژگان بین زبان‌ها بسیار اثرگذار است به گونه‌ای که آن‌ها را در اسلوب و بیان بی‌نیاز می‌سازد!
- ۲) در میان زبان‌ها عوض کردن واژه‌ها چنان تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌سازد!
- ۳) در میان زبان‌ها جابه‌جایی کلمات است که بر آن‌ها اثر می‌کند و آن‌ها را در اسلوب و بیان پُرثمر می‌گرداند!
- ۴) تبادل کلمات بین زبان‌ها به گونه‌ای بر آن‌ها اثر می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌گرداند!

۳۲. «لا تُسجَلُ صِدِيقَتِي المُجَدَّةُ فِي دَفْتَرِهَا إِلَّا الْمَوْضُوعَاتُ الْجَدِيدَةُ وَالْمَهْمَةُ!»:

- ۱) دوست تلاشگر فقط موضوعات جدید و مهم را در دفترش ثبت می‌کند!
- ۲) دوست تلاشگر من در دفترش ثبت نمی‌شود مگر موضوعات جدید و مهم!
- ۳) دوستم با تلاش چیزی در دفترش ثبت نمی‌کند جز موضوعات جدید و مهم را!
- ۴) چیزی جز موضوعات جدید و مهم در دفتر دوستم که تلاشگر است، ثبت نمی‌شود!

۳۳. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) قد يذكر الإنسانُ ذكرياته القديمة ويفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می‌آورد و با آن‌ها خوشحال می‌شود!
- ۲) لا يتردّد الوالدُ في شراء ما يحتاج إليه أُسرتَه: پدر در خریدن آنچه که خانواده‌اش به آن نیاز داشت، تردید نکرده است!
- ۳) هؤلاء كانوا يُعاملون الآخرين معاملةً حسنةً دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می‌کنند!
- ۴) لبيت هذه التلميذة حُبُّ الدّراسة في تلك المدرسة: کاش این دانش‌آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

۳۴. عَيْنُ الخَطَأِ:

- ۱) عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می‌فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- ۲) لا شك أنك لا تخسر إلا إذا امتنعت عن المحاولة: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می‌بینی!
- ۳) إن النجاح لا يحتاج إلى الإقدام فقط، بل إلى الجسارة أيضاً: پیروز شدن فقط به قدم‌ها احتیاج ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- ۴) من يكذب. لا يجد دليلاً مُقنعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می‌گوید، هرگز برای ثابت کردن خود دلیل قانع‌کننده نمی‌یابد!

۳۵. «ابر، بخار متراکمی است در آسمان که باران از آن فرو می‌ریزد!»:

- ۱) السَّحَاب، المتراکم في السماء و المطر نزل منه! (۲) الغيم، بخار متراکم في السماء ينزل من المطر!
- ۳) الغيوم، البخار المتراکم في السماء ينزل منه مطر! (۴) السَّحَاب، متراکم في السماء و البخار نزل منه المطر!

○ إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ (۳۶ - ۴۲) بما يناسب النَّصَّ:

أكد العديدي من الدراسات أن ممارسة التمارين الرياضيّة بشكل منتظم تُؤثّر إلى حدّ كبير على رفع قدرات الدماغ\* و الزيادة من نشاطه، كما هي تُساعد على تسريع نموّ الخلايا\*\* العصبية و ارتباطها مع بعضها البعض، الأمر الذي يُسبّب أن الإنسان يهتمّ به أكثر لأنّه مهمّ جداً في تطوير (= ارتقاء) القدرات العقلية للفرد و منع زوالها و ضعفها! و في هذا المجال يحتاج الدماغُ إلى الموادّ الغذائيّة للمحافظة على نشاطه و نموّه كذلك، فإنّه يستهلك ۲۰% (العشرين بالمائة) من الموادّ الداخلة إلى الجسم لتغذية خلاياه بشكل يوميّ، و من أهمّ هذه الموادّ التي تساعد على تحسين عمل الدماغ هو الفواكه و الخضراوات و المأكولات الغنيّة بأوميغا ۳ (امگا ۳) و لكن لاننسى أن مفتاح الورد في هذه الساحة و الاهتمام بهذه المهمّة هو وجود الفكر السالم و الذهن البعيد عن الوسواس الشيطانية!

\* الدماغ: مخ

\*\* خلايا: ج خلية؛ المادّة الأساسيّة في كل مخلوق حيّ لا تراها بالعين المجردة.



**۳۶. ما هو المؤثر في ازدياد قدرات الدماغ؟ عيّن الخطأ:**

- (۱) القيام بالرياضيات المنظمة طول الحياة!
- (۲) تناول الأطعمة المفيدة و المأكولات الغنيّة باوميجا ۱۳!
- (۳) المحاولة للحصول على فكرة سالمة تتمتع بكل ما فيه خير!
- (۴) السعي وراء ازدياد القدرة الجسدية بممارسة التمارين الرياضيه!

**۳۷. عيّن الخطأ: تسريع ارتباط الخلايا العصبية.....**

- (۱) يسبب قيام الخلايا بواجبها بأحسن صورة!
- (۲) يسبب أن الإنسان يقوم بأعماله الرياضيه منتظماً!
- (۳) يمنع من نسيان الموضوعات و عدم القدرة على تحليلها أو حلها!
- (۴) يمنع من حدوث بعض المشكلات التي يصاب بها الإنسان في أواخر عمره!

**۳۸. عيّن الصحيح: الدماغ لن يستطيع أن يقوم بعمله كما هو لائق إلا ان يستهلك.....**

- (۱) خمس المأكولات التي يتناولها الإنسان في كل أربع و عشرين ساعة!
- (۲) ۲۰٪ من الفواكه و ممّا فيها اوميجا ۳ و لافائدة في غير هذين!
- (۳) العشرين بالمائة من كل مادة غذائية يستفيد منها الإنسان!
- (۴) خمساً من المواد الداخلة إلى الجسم بشكل شهري!

**۳۹. عيّن غير المناسب لعنوان النص:**

- (۱) العقل السليم في الجسم السليم!
- (۲) مفاتيح الحياة المتوازنة!
- (۳) أثر النشاط في إعادة النسيان!
- (۴) أثر الرياضة في تقوية الدماغ!

**○ عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)**

(ويژه انسانی)

**۴۰. «تؤثر»:**

- (۱) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي بحرف واحد (من باب تفعل) / مع فاعله جملة فعلية
- (۲) مضارع - للمؤنث الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية
- (۳) للمفرد المؤنث الغائب (= الغائبة) - مزيد ثلاثي - لازم - مجهول / فعل مرفوع، و الجملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - للمفرد المذكر المخاطب - مزيد ثلاثي بحرف واحد، مصدره: تأثير / مع فاعله جملة فعلية

(ويژه انسانی)

**۴۱. «يستهلك»:**

- (۱) مضارع - للمفرد المذكر الغائب (= الغائب) - لازم - معلوم / فعل و مع مفعوله جملة فعلية
- (۲) للمفرد الغائب - له ثلاثة حروف زائدة (= مزيد ثلاثي) - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية
- (۳) مزيد ثلاثي (مصدره: استهلاك، على وزن استفعال) / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية و خبر حرف إن المشبّه بالفعل
- (۴) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية «س ل ك») / الجملة فعلية و خبر لحرف «إن» المشبّه بالفعل و مرفوع

(ويژه انسانی)

**۴۲. «ممارسة»:**

- (۱) اسم - مفرد مؤنث - مصدر (من باب مفاعلة) - معرب / اسم «أن» المشبّه بالفعل و منصوب
- (۲) مفرد مؤنث - اسم مفعول (اشتقاقه من فعل «مارس» على وزن «فاعل») / اسم «أن» و منصوب
- (۳) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (اشتقاقه من فعل «مارس») / اسم «أن» المشبّه بالفعل، و الجملة اسمية
- (۴) مفرد مؤنث - مصدر (على وزن مفاعلة) - مبني / اسم لحرف «أن» المشبّه بالفعل، و خبره جملة «تؤثر»

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۴ - ۵۰)

۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) أكبر الحُمقِ الإغراقُ في المدحِ والذمِّ!
- (۲) لا يَسْتَطِيع الكَذَابُ أَنْ يَخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ!
- (۳) الطُّلابُ المُؤدَّبونَ مُحْتَرَمونَ عِنْدَ المُعَلِّمينَ!
- (۴) الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيًا عَنِ الطُّلْمِ وَالغُدوانِ!

۴۴. عین الخطأ عن «اللُّوحَة»:

- (۱) تُمارس الدروس عليها!
- (۲) نكتب عليها أخباراً عامّة!
- (۳) لا نجد لها إلا كبيرةً و بألوان مختلفة!
- (۴) نرسم عليها إشارات المرور و الصور الجميلة!

۴۵. عین الخطأ:

- (۱) الأسرى: هم من الذين يُغلبون في الحرب، فيأخذهم العدو!
- (۲) الأسرة: أعضاء البيت الواحد يعيشون معاً كالأهل!
- (۳) الأبيزة: من الوسائل التي تُستعمل للثوم كالفراش!
- (۴) الإسراء: حركة الشخص ليلاً و نهاراً إلى مكان!

۴۶. عین حرف «ن» من الحروف الأصلية للفعل:

- (۱) إذا يَنكسر سوزُ الجهلِ نبتعد نحن عن الحماقة!
- (۲) ينطلق طائرُ الطنّانِ بسرعة و يتوقّف بسرعة أيضاً!
- (۳) لا تنقطع الأشجار في الغابات إلا و هو خسارة لبيئتنا!
- (۴) يَنقل الثَقَطُ بالناقلات في المناطق التي لا توجد الأنابيب!

۴۷. عین اسم الفاعل يكون خبراً:

- (۱) بعد مدة قليلة أصبحت هذه الأشجار المثمرة جميلة!
- (۲) إنَّ المشاكل لا تستطيع أن تهزم الإنسانَ المتوكّل على الله!
- (۳) التلاميذ الذين يعملون بواجباتهم قادرون على أداء جميع أعمالهم!
- (۴) كان جماعة من المسافرين يُشاهدون المناظر الجميلة من داخل القطار!

۴۸. عین ما ليس فيه «نون» للوقاية:

- (۱) إن لم تُؤمنى بقوة نفسك فلن تتقدّمى في الحياة!
- (۲) مَنعني التزامي بالصدق من ارتكاب المعاصي!
- (۳) أعانتنى بومات مزرعتي لأتخلص من شرّ الفتران!
- (۴) في اللّعب أعطاني صديقي الكرة و رميئها إلى الهدف!

۴۹. عین الفعل مجهولاً (بالنظر إلى المعنى):

- (۱) أريد أن تُخبر صديقك أنّ لحظة اللقاء قريبة!
- (۲) لا تسمح أن يترك احترام الفقراء بسبب فقرهم!
- (۳) كيف يُمكن أن لانكرم من ييسط لنا وجهه دائماً!
- (۴) أكرم معلّمى بإطاعته و هو يمنح لى ما عنده من العلم!

(ويژه انسانی)

۵۰. عین الصحيح في عمل الحروف المشبهة بالفعل و الأفعال الناقصة:

- (۱) إن في الصدق نجاهً كُنّا راغبين فيها!
- (۲) كُنّا سامعاً حين أمرنا ألا نكون متكاسلات!
- (۳) إن الساعي في الخير كان مكرّم عند الناس!
- (۴) لسنا فاشلين في الحياه لأننا ساعون في عملنا!



○ عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

٢٦. «إصبر إن وعدَ الله حقًّا، واستغفر لذنبك...»:

- ١) صبر پیشه کن همانا وعده خداوند حق است، و برای گناهت آمرزش بخواه! ...
- ٢) شکیبایی پیشه کن زیرا وعده الله بحق است، و برای گناهانت استغفار کن! ...
- ٣) صبر را پیشه خود بساز که وعده الله حقیقت است، و خدا برای گناه تو مغفرت خواست! ...
- ٤) شکیبایی نشان بده همانا وعده خدای تو حقیقت است، و برای گناهان خویش آمرزش طلب کن! ...

٢٧. «علینا أن نستفید من تجارب الناجحین بأنهم کیف واجهوا السعوبات و نهضوا بعد السقوط و استمروا علی سلوکهم حتی النجاح»: ما باید از تجارب انسان‌های موفق .....  
 ١) بهره ببریم به اینکه چطور با مشکلات روبه‌رو شدند و بعد از افتادن برخاستند تا به راه خودشان تا موفقیت ادامه بدهند!  
 ٢) استفاده کنیم که چگونه با سختی‌ها روبه‌رو شده‌اند و بعد از سقوط برخاسته‌اند و روش خود را تا پیروزی، ادامه داده‌اند!  
 ٣) بهره‌مند شویم بدینگونه که با دشواری‌ها چگونه مواجه می‌شوند و بعد از سقوط کردن برمی‌خیزند و بر رفتارشان تا پیروزی باقی مانده‌اند!  
 ٤) استفاده نماییم که آن‌ها با مشکلات چطور برخورد کرده‌اند و بعد از افتادن چگونه بلند شده‌اند و چگونه بر سلوک خود تا پیروز شدن باقی می‌مانند!

٢٨. «لیس من الضروري أن يكون لديك أصدقاء كثيرون لتصبح ذا شخصية معروفة عند الناس!»:

- ١) نیازی نیست که در کنار تو دوستان زیاد باشند برای اینکه آن‌ها دارای یک شخصیت شناخته شده نزد مردم باشند!
- ٢) نیازی به این نیست که دوستانت زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!
- ٣) ضروری این نیست که دوستانت زیاد باشند تا تو هم صاحب شخصیتی شهیر بین مردم شوی!
- ٤) ضروری نیست که دوستان بسیاری داشته باشی تا دارای شخصیت معروفی نزد مردم شوی!

٢٩. «الإنسان لا یصاب بأمر إلا بقدر طاقته، فعلینا أن یزداد ایماننا لأن الله لن یترك مُحبیبه!»:

- ١) انسان فقط به اندازه توانش به امری دچار شده است، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا علاقمندان را رها نخواهد کرد!
- ٢) انسان به اندازه توانش به امور دچار می‌شود، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا محبتان خود را هرگز ترک نمی‌کند!
- ٣) انسان به چیزی دچار نمی‌شود مگر به اندازه توانش، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا دوستدارانش را رها نخواهد کرد!
- ٤) انسان هیچگاه بیش از توانش به خواسته‌ای دچار نمی‌شود، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا هرگز محبوبان خود را رها نمی‌کند!

٣٠. «ما أ جعل أن تری نهاية أحرانك العاضية لتبدأ حياة جديدة فرحة!»:

- ١) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ٢) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ٣) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!
- ٤) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!



۳۱. «إن أمكن لنا أن نستخدم الحديد و النحاس في بناء البيوت فإنها لا تتخرب بسهولة بعد أن تحدثّ حادثه!»

(۱) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه‌هایمان باشد، پس از هر حادثه‌ای که رخ دهد خانه ما ویران نمی‌شود!

(۲) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه‌ها بکار ببریم، بعد از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی‌شود!

(۳) هرگاه برای ما ممکن باشد که در ساختن خانه‌ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از اینکه حادثه‌ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی‌انجامد!

(۴) اگر ممکن باشد ک در ساختمان خانه‌هایمان آهن و مس بکار ببریم، پس از اینکه حادثه‌ای اتفاق بیفتد خانه‌ها بسرعت به خرابی نمی‌انجامد!

۳۲. «هناك مفردات في كل لغة قد دخلت فيها من اللغات الأخرى وقد أصبحت كلمات لها معان جديدة!»:

(۱) در هر زبان لغت‌هایی است که از دیگر زبان‌ها در آن وار شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!

(۲) واژه‌هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبان‌ها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!

(۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبان‌های دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده‌اند!

(۴) کلماتی در هر زبان وجود دارد که از زبان‌های دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!

۳۳. عین الخطأ:

(۱) العلم إن لم ینفعنا لا یضرنا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی‌رساند!

(۲) إنما الذین أطار للعلم و الحضارة: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!

(۳) التفکر هو الدواء لدفع سُموم الخرافات: فکر کردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!

(۴) الفضلاء شخصیتهم أقوى من أن یقلدوا الجهلاء: فاضلات شخصیتشان قوی‌تر از این است که از جاهلات تقلید کنند.

۳۴. عین الخطأ:

(۱) الجهل مصیبة لن نتخلص منه إلا بالعلم: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می‌یابیم!

(۲) کثیر من الناس یعرفون کل شیء بصدده معرفة أفضل: بسیاری از مردم هر چیزی را با صدش بهتر می‌شناسند!

(۳) علی الإنسان أن لا یجرح قلب الآخرين بکلمات قبیحة: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!

(۴) کأن فی بسط العلم لیسوا إلا مطرا لأرض: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

۳۵. «در ترازو چیزی سنگین‌تر از خوی نیکو نیست!». عین الصحیح:

(۱) لیس الشیء فی میزان أثقل من حُسن الخلق! (۲) فی میزان الشیء لیس ثقیل مثل حسن الأخلاق!

(۳) فی المیزان لیس شیء ثقیل من الأخلاق الحسن! (۴) لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن!

○ اقرأ النص التالی ثم أجب عن الأسئلة (۳۶ - ۴۲) بما یناسب النص:

عندما یقوم الإنسان الأصدقاء، فعليه أن یتستفید من حوادث حیاته و یکتسب منها تجارب. و هذا الأمر یتسبب أن یفکر فی الإخطاء التی وقع فیها و المساعی التی بذلها للخروج منها، فالعاقل یأخر منها دروسا تمنعه من تکوین صداقات مع الذین لیسوا مهذبین و صادقین فیما یدعون!

و علی الإنسان أن یعلم أنه فی أوقات الراحة و السعادة و السرور من السهل الحصول علی العديد من الأصدقاء المختلفین، فإن هذه المجالات تجعل ایجاد العلاقات أكثر سهولة، ولكنها لا نعرفنا علی الصدیق الحقیقی الذي یمکن الاعتماد علیه؛ فإن الذین یقفون عند أصدقائهم فی الصعوبات هم الذین نعدّهم أوفیاء و یمکن أن نأخذهم شركاء فی حیاتنا!



۳۶. عین الصحيح: أحد الطرق الذي هو أكثر أهمية في مجال كشف الإصدقاء الحقيقيين هو ...

- (۱) أن نجعل الماضي عبرة للمستقبل!
- (۲) أن الاختبار لا يعرفنا الصحيح من السقيم!
- (۳) أن لا نتخذ صديقا في أيام الرخاء والراحة!
- (۴) أن الأصدقاء الأوفياء لا يبقون مع الإنسان في الشدائد!

۳۷. ما الذي يُبعدنا عن اتخاذ أصدقاء السوء؟ عین الخطأ:

- (۱) السعي وراء ما يقوم به الناس و متابعتة في حياتنا!
- (۲) العلم بأن الحوادث تتكرر، فالعاقل هو الذي لا يعبر منها غافلا!
- (۳) تحليل الماضي و التدقيق فيما فعلنا في مجال الصداقة حتى لا نكرر أخطاءنا!
- (۴) الاعتقاد بأن في الحياة دروساً، علينا أن نتخذها سراجاً أو مصباحاً في أماننا!

۳۸. عین المناسب لعنوان النص:

- (۱) أدب الصديق خير من ذهبه!
- (۲) العاقل لا يخسر من أمر مرتين!
- (۳) الصديق هو المفتاح لكل باب مُغلق!
- (۴) صدور الأصدقاء قبور الأسرار!

۳۹. عین الأنسب حسب النص:

- (۱) المرء مرآة أخيه!
- (۲) يُعرف الأصدقاء عند الحاجة!
- (۳) إن الطيور على أشكالها تصير!
- (۴) الصديق لنا و كل نعم الجنة لكم!

○ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰. «يكتسب»:

- (۱) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «اكتسب» على وزن افتعل / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) للغائب - مصدره «اكتساب» من وزن انفعال - معلوم / مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «تجارب»
- (۳) فعل مضارع - صيغته مفرد مذكر غائب - له حرفان أصليان و حرفان زائدان / مع فاعله جملة فعلية
- (۴) مضارع - حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله «تجارب»

۴۱. «يُفكر»:

- (۱) للغائب - حروفه الأصلية «ف ك ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) صيغته للمفرد المذكر الغائب - مجهول - مصدره «تفكير» على وزن أو من باب «تفعليل»
- (۳) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «فكر» على وزن فَعَلَ، مصدره «تفكر» من باب «تفعلل»
- (۴) مضارع - حروفه الأصلية «ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعل و مع فاعله جملة فعلية

۴۲. «الاعتماد»:

- (۱) اسم - مفرد مذكر - معرّف بال - حروفه الأصلية «ع م د» و وزنه «افتعال» / مضاف إليه
- (۲) اسم - مصدر من وزن «افتعال» و الماضى من «اعتمد» على وزن «افتعل» / فاعل لفعل «يُمكن»
- (۳) مفرد مذكر - مصدر من باب «افتعال» مضارعه «يعتمد» و أمره «اعتمد» - نكرة / فاعل لفعل «يُمكن»
- (۴) مفرد مذكر - معرّف بال - مصدر على وزن «افتعال» و حروفه الأصلية «ع م د» / مفعول لفعل «يُمكن»

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) شَرَّ الناسَ مَنْ لا يَعْتَقِدُ الأمانةَ ولا يَجْتَنِبُ الخيانةَ! (۲) الشَّجَرَةُ الخانقةُ تَتَمَوُّ في بَعْضِ الغاباتِ الاستوائيةِ!  
(۳) على كُلِّ الناسِ أَنْ يَتَعاشِوا تَعاشِوا سلمياً! (۴) يَرى حافِظُ الدَّهْرِ من هَجَرَ حبيبِهِ كالقيامَةِ!

۴۴. «يترك الصالِبُ البيتَ و يذهب إلى المدرسة بعد أن يأكل عَدَاهُ!» الصالِبُ يدرس .....

- (۱) ليلاً! (۲) مساءً! (۳) صباحاً! (۴) نهاراً!

۴۵. عین الخطأ عن «الجزارة»:

- (۱) هي آلة تُساعد المزارعين!  
(۲) تُنفع بها في الأعمال الزراعية!  
(۳) تُستخدم في المزارع عدة!  
(۴) تُجر نفسها على الأراضي الزراعية!

۴۶. عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) هو في حياته أهدى مني كثيراً!  
(۲) بكلامه اللين سَمعنا أهدى الكلمات!  
(۳) صديقي أهدى إلى كتابا من مكتبته!  
(۴) أهدى عمل نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

۴۷. عین ما ليس فيه المعادل للمضارع الالتزامي الفارسي:

- (۱) يُحذِرُ الشرطي المسافرين ألا يقربوا من الأماكن الخطرة!  
(۲) يا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكلين حتى لا تياسوا!  
(۳) يا أيها الأطفال؛ لا تقربوا من هذه الحفرة لأنها خطيرة!  
(۴) يجتمع التلاميذ مع معلمهم يومياً ليتعلموا العلم!

۴۸. عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) يجب عليك أن تُحسنی لمن لم تكن له قدرة!  
(۲) بعضُ الطيور تبنى بيوتها فوق الأشجار المرتفعة!  
(۳) يُرشدني معلمي الرُوف دائماً إلى تعلّم العلوم النّافعة!  
(۴) يا أختي! إن تؤمّني بأنّ النجاة نتيجة أعمالك فحاولي!

۴۹. عین الصحيح للفراغين:

كان في فريقنا أحد عشر لاعبا، لعبنا مدة ساعتين. مصت عشرون دقيقة من اللعب. جرح لاعبان اثنان منّا، واصل .....

..... لاعبين المباراة لمدة ..... دقيقة إلى نهاية اللّعب!

- (۱) سبعة / ساعة و أربعين  
(۲) تسعة / ساعتين و عشرين  
(۳) ستّة / ساعتين إلا عشرين  
(۴) تسعة / ساعة و أربعين

۵۰. عین جواب الشرط يختلف نوعه عن الباقي:

- (۱) إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنّة!  
(۲) إن نُدّم على أعمالنا السيئة نغيرها بعد مدة بسهولة!  
(۳) إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم همساً!  
(۴) إن يقطع أحدٌ كلام الآخرين فهو قليل الأدب!





○ عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

٢٦. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»:

- ١) آب را از آسمان نازل کرد و از میوه‌ها روزی برای شما قرار داد!
- ٢) از آسمان آب را نازل کرد و از ثمره‌ها روزی برای شما بیرون آمد!
- ٣) آبی از آسمان فرو فرستاد و به وسیله آن ثمره‌های رزق را برای شما خارج ساخت!
- ٤) از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن از میوه‌ها رزقی را برای شما خارج ساخت!

٢٧. «لَا تَعْشِ فِي الْمَاضِي وَ مَا وَقَعَ فِيهِ حَتَّى لَا يُضَيِّعَ مُسْتَقْبَلُكَ!»:

- ١) در گذشته و آنچه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آینده‌ات تباہ نشود!
- ٢) در گذشته‌ها و چیزهایی که در آن‌ها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!
- ٣) برای اینکه آینده خود را تباہ نسازی، در گذشته و آنچه در آن روی داد، زندگی مکن!
- ٤) برای تباہ نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می‌شود، زندگی منمائی!

٢٨. «هناك لا إنسان بدون خطأ، ولكنّه يفشل عندما يَعدّ نفسه عالمًا يعرفُ كلَّ شيء!»:

- ١) هیچ انسانی نیست که خطا نکند، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز بشمار آورد، شکست خواهد خورد!
- ٢) انسان بدون اشتباه، هیچگاه وجود ندارد، اما او می‌بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هر چیزی را می‌داند است!
- ٣) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد، ولی زمانی که خودش را عالمی بشمار آورد که همه چیز را می‌داند، شکست می‌خورد!
- ٤) انسان هیچ‌گاه بدون اشتباه نیست، اما زمانی می‌بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هر چیزی آگاه است.

٢٩. «كان ذلك العالمُ يُمضي أوقاته بالمطالعة و الدّراسة و لا يبتعد عن النّشاط لحظةً على رغم الظّروف القاسية!»:

- ١) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می‌گذشت، و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی‌شد!
- ٢) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می‌گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه‌ای از فعالیت دور نمی‌شد!
- ٣) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می‌گذشت، در حالی که علی‌رغم شرایط سخت لحظه‌ای از کار دور نمی‌شود!
- ٤) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می‌گذراند، در حالی که علی‌رغم شرایط سخت حتی یک لحظه از کار دور نمی‌شود!

٣٠. «كاد المعلمُ يبدأ تدریسه إذ دخل الصفُّ أحدَ الطّلابِ و قطع كلامَ المعلمِ و هو حَجَلٌ من تأخّره!»:

- ١) معلم تدریسش را شروع می‌کرد که یکی از دانش‌آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را بُرید!
- ٢) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش‌آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیر کردنش قطع نمود!
- ٣) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی که یک دانش‌آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمنده شد!
- ٤) معلم تدریس خود را داشت شروع می‌کرد، که ناگهان یکی از دانش‌آموزان وارد کلاس شد و در حالی که از تأخیر خود شرمنده بود سخن معلم را قطع کرد!

۳۱. «قَرَرْتُ مَعَ أُخْتِي الصُّغْرَى أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ وَ النَّصْفِ إِلَى الْمُتَحَفِ لِمَشَاهِدَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ!»:

- ۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- ۲) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم؛ سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزه‌ها برویم!
- ۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزه‌ها برویم!
- ۴) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

۳۲. «عَامِلُ النَّاسِ مِثْلَمَا تُحِبُّ أَنْ يُعَامِلُوكَ، وَ لَا تُكُنْ ذَا وَجْهِينَ!»:

- ۱) با مردم آن‌طور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دورو مباش!
- ۲) طوری با مردمان معامله‌نمائی که دوست داری با تو داد و ستد شود، پس دو چهره نباش!
- ۳) با مردم همان‌طور معامله کنی که دوست داشته‌اید با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- ۴) به گونه‌ای با مردم رفتار کنی که دوست می‌دراید با شما رفتار شود، و دارای دو چهره نباشید!

۳۳. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنَّمَا مَحْتَاجُونَ إِلَى تَجَارِبِ الْمُتَقَاعِدِينَ لِتَقْدُمِنَا: مَا بِهِ تَجْرِبَةُ بَازِنَسْتِغَانِ نِيزَامِنْدِي تَا پِشْرَفْتِ كَنِيم!
- ۲) إِنْ كَانَ الْمُتَفَرِّجُونَ فِي الْمَلْعَبِ، يُشْجَعُ اللَّاعِبُونَ: أَوْ تَمَاشَاچِيَانِ دَرِ وَرْزِشْگَاهِ بَاشِنْدِ بَازِيكَنَانِ رَا تَشْوِيقِ مِي كَنِنْد!
- ۳) قَدْ تَبَدَّأَ الْأَفْ الصَّعُوبَاتِ بَعْدَ لِحْظَةِ إِهْمَالٍ: گَاهِي بَعْدَ از يَكِ لِحْظَةِ سَهْلِ انْگَارِي هَزَارَانِ مَشْكَلِ شُرُوعِ مِي شُود!
- ۴) مَنْ يَتَجَسَّسُ فِي أَعْمَالِ الْأَخْرَيْنِ فَلَا أَمْنَ وَ لَا رَاحَةَ لَهُ: كَسِي كِه دَر مَوْرِدِ دِیْگَرَانِ جَاسُوسِي كُنْدِ اَمْنِيَّتِ وَ رَاحَتِي نَدَارِد!

۳۴. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَفْضَلُ سِلَاحِ الْمَرْءِ كَلَامُهُ وَ كَأَنَّهُ حَسَامٌ: بَهْتَرِينَ سِلَاحِ انْسانِ كَلَامِي اسْتِ كِه چُونِ شَمْشِيرِ مِي بَاشِد!
- ۲) عَيْنُ الْبُومَةِ ثَابِتَةٌ وَ هِيَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَدِيرَ إِلَّا رَأْسَهَا: چِشْمِ جَعْدِ ثَابِتِ اسْتِ وَ فِقْطِ سَرِ آنِ حَرَكْتِ مِي كُنْد!
- ۳) هُنَاكَ عَشُّ صَغِيرٍ فَوْقَ تَلْكَ الشَّجَرَةِ الْمَرْتَفِعَةِ لَا فَرْحَ فِيهِ: بِالْأَيْ أَنَّ دَرِخْتِ بَلِنْدِ أَشْيَانَهُ كُوجَكِي هَسْتِ كِه هِيچِ جُوجِهْ اِي دَرِ آنِ نِيسْت!
- ۴) طُلِبَ مِنَ الطُّلَابِ أَنْ يَأْتُوا بِوَالِدِيهِمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: از دَانْشْ اَمُوزَانِ خُواسْتِ كِه رُوزِ پَنْجْشَنْبِهِ بَا وَالدِينِ خُودِ بِهِ مَدْرَسِهِ بَيَاينْد!

۳۵. «امروز کتابی خرید که قبلاً آن را دیده بودم!»:

- ۱) هَذَا يَوْمَ اشْتَرَيْتِ الْكِتَابَ وَ رَأَيْتِ قَبْلَ هَذَا! (۲) اشْتَرَيْتِ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلِ!
- ۳) هَذَا الْيَوْمَ اشْتَرَيْتِ كِتَابًا رَأَيْتِ قَبْلَ هَذَا! (۴) قَدْ اشْتَرَيْتِ الْيَوْمَ الْكِتَابَ وَ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلِ!

○ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶ - ۴۲) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

الْعِلْمُ يُحْيِي فِي الْإِنْسَانِ أَمْوَرًا مُخْتَلِفَةً، مِنْهَا الشُّعُورُ بِالاعْتِمَادِ عَلَى النَّفْسِ، فَمَنْ اتَّخَذَهُ رَفِيقًا فِي طَرِيقَةِ فِي الْحَيَاةِ يَرِي أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ أَنْ يَعِيشَ عَافِيًا عَمَّا يَجْرِي حَوْلَهُ، بَلْ يَسْعَى لِلْحَصُولِ عَلَي غَايَةِ يَرَسْمُهَا لِنَفْسِهِ. لَنَنْظُرَ إِلَى حَيَاةِ الْعُلَمَاءِ فِي التَّارِيخِ، فَهَم لَمْ يَسْتَطِيعُوا أَنْ يَعِيشُوا فَقْطَ لِأَنَّهُمْ رَأَوْ غَايَةَ عُليا فِي الْحَيَاةِ وَ حَاولُوا أَنْ يَصِلُوا إِلَيْهَا وَ كَذَلِكَ قَامُوا بِدَعْوَةِ الْأَخْرَيْنِ إِلَيْهَا أَيْضًا!

إِنَّ الْعِلْمَ يَبْنِي حِصَارًا يُحَافِظُ عَلَي كُلِّ مَنْ يَخْتَارُهُ مِنَ الْوَقُوعِ فِي الْخَطَايَا وَ يَمْنَعُهُ مِنَ ارْتِكَابِ الْجَرَائِمِ وَ التَّبَعِيَّةِ الْخَاطِئَةِ؛ وَ لَكِنْ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ مِنَ الْاعْتِمَادِ عَلَي الْعِلْمِ أَكْثَرَ مِنْ طَاقَتِهِ، فَإِنَّهُ يُهَيِّئُ لِلْمَجْتَمَعِ طَرِيقَ التَّقَدُّمِ وَ يُحَقِّقُ لَهُ ارْتِقَاءً شَامِلًا يَضْمَنُ مُسْتَقْبَلًا مُضِيئًا؛ وَ لَكِنَّ الْمَهْمُ فِي هَذَا الْأَمْرِ هُوَ أَنَّ الْعِلْمَ بُوْحِدِهِ لَا يُحَقِّقُ هَذِهِ الْغَايَاتِ الْجَمِيلَةَ بَلْ بِحَاجَةِ إِلَى رَفِيقٍ آخَرَ وَ هُوَ «الْإِيمَانُ»!



۳۶. لماذا لا تُصبح الغفلة ملازمةً للعالم؟ عَيِّن الصَّحِيح: لَأَنَّ.....

- (۱) رفيقه الآخر و هو الإيمان يمنعه من هذا الأمر!  
(۲) التقدّم و المستقبل المضيء لا يسمحان بذلك!  
(۳) الاعتماد علي النَّفس هو السبب لمنع ذلك!  
(۴) اتّخاذ الغاية في الحياة يمنعه من ذلك!

۳۷. عَيِّن الصَّحِيح حسب النص:

- (۱) مفتاح التقدّم الحقيقي هو اكتساب العلم وحيداً!  
(۲) من أخطر الأمور هو تحميل العلم أكثر من طاقته!  
(۳) إنَّ الغاية الوحيدة التي يرسمها العلماء هي الاعتماد علي النفس!  
(۴) العلم من دون مساعدٍ آخر يحافظ علي الجمهور من الخطايا و الزَّلل!

۳۸. بيم نحصل علي مستقبل مضيءٍ لأبنائنا؟ عَيِّن الخطأ: بِلَعْم.....

- (۱) يزيدهم أخلاقاً تُبعدهم عن السلوكيات السيئة!  
(۲) يُساعدهم علي اتّخاذ غاياتٍ رفيعةٍ في الحياة!  
(۳) لا يُصاحبه أمرٌ آخر و هو الكفيل وحيداً للتقدّم!  
(۴) يحتاج إلي حصول جناحٍ آخر للطيران و هو الإيمان!

۳۹. عَيِّن ما لا يناسب موضوع النص:

- (۱) خرد بايد و دانش و راستی / که کزّی بگوید در کاستی!  
(۲) نکند هرگز اهل دانش و داد / دل مردم خراب و گنج آباد!  
(۳) علم تنها، تورا به ره آرَد!  
(۴) علم اگر تنها بُوَد رهزن بود!

○ عَيِّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰. «يرسم»:

- (۱) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «رسم» و كلُّ حروفه أصليةٌ / فاعله «ها» و الجملة فعلية  
(۲) للمذكر الغائب - حروفه كلها أصليةٌ (= مجرد ثلاثي) - معلوم / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية  
(۳) للغائب - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد (= مزيد ثلاثي) / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية  
(۴) مضارع - ليس له حرفٌ زائد (= مجرد) - مجهول / مع فاعله جملةٌ فعلية، و ضمير «ها» مفعول

۴۱. «يُحافظ»:

- (۱) مضارع - للمذكر الغائب - ماضيه «حافظ» على وزن «فاعل» / فعل و مع فاعله جملةٌ فعلية  
(۲) فعل مضارع - ماضيه «حافظ» من وزن «فاعل» و مصدره «حفظ» / الجملة فعلية و وصفية  
(۳) للغائب - ماضيه «حافظ» و مصدره «محافظة» من باب «مفاعلة» - مجهول / مع فاعله جملةٌ فعلية  
(۴) للمفرد المذكر الغائب - له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / الجملة فعلية و صفة للموصوف النكرة «حصاراً»

۴۲. «شاملاً»:

- (۱) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (من فعل «شمل» المجرد) / صفة للموصوف «ارتقاء»  
(۲) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله «شمل» بدون حرف زائد) - نكرة / صفة و موصوفه «يحقّق»  
(۳) مفرد مذكر - معرفة - اسم فاعل (فعله «شمل» بدون حرف زائد) / صفة و موصوفه «ارتقاء»  
(۴) اسم - اسم فاعل (مأخوذ من فعل «شامل» على وزن «فاعل» / صفة أو نعت للموصوف النكرة

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) عالمٌ يُنتفع بعلمه خَبرٌ من ألف عابد!  
(۲) لیس شیءٌ أثقلٌ في الميزانِ من الخُلُقِ الحَسَنِ!  
(۳) عليّ كلُّ الناسِ أنْ يتعایشوا تعایشاً سلمياً!  
(۴) تُؤدّي الدّلافین دَوْرًا مُهمًّا في الحربِ و السلم!

۴۴. عین الخطأ:

- (۱) الأرجل: يمشي الإنسان بها!  
(۲) المُتفرِّج: الذي يُشجّع اللاعب في المسابقة!  
(۳) السائح: من يُفرح الناس لزيارة الآثار التاريخية!  
(۴) المشكاة: زجاجة فيها مصباح ينتشر الضوء من داخلها!

۴۵. عین المناسب للفرغين: «أيام الأسبوع ..... و اليوم الوسط منها .....!»

- (۱) سبعة - اثنين (۲) سبعة - الثلاثاء (۳) سبعة - الاثنين (۴) سبعة - الثلاثاء

۴۶. عین وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل:

- (۱) السكوت أبلغ كلام مقابل الجاهل!  
(۲) هذه السورة أعظم الستور في القرآن الكريم!  
(۳) مَنْ أحسن إليك فأحسن إليه، و هذا العمل حسن!  
(۴) الغني الأكبر اليأس من كل ما في أيدي الآخرين!

۴۷. عین ما فيه «نون الوقاية!»:

- (۱) أيتها التلميذة المجتهدة! بيّني لزميلاتك أسلوب قراءة الدروس!  
(۲) هل تعرف أن الثملة تبني بيتها تحت الأرض وله نوافذ!  
(۳) نتمني أن نصل إلي أهدافنا دون تعب؛ و هذا محال!  
(۴) أنقذني أحد أصدقائي قبل أن أغرق في الشدائد!

۴۸. عین كلمة «ما» مضافاً إليه (بالنظر إلى المعنى):

- (۱) أعظم ما في الحياة أن يبقى العقل شاباً!  
(۲) لم تقول ما ليس لك به علم!  
(۳) العلم ما ينفك والعقل ما يوصلك إليه!  
(۴) أنظر إلى السماء ليلا حتى تُشاهد ما رأيته أنا!

۴۹. عین «ما» شرطية:

- (۱) ما فعلت هذا لك حتى أتوقع أجره!  
(۲) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!  
(۳) ما تزرع في الدنيا حتى ترى نتيجته في الآخرة!  
(۴) ما تطلب من الخير للآخرين فإنك ترى نتيجته!

۵۰. عین حرف المشبه بالفعل يختلف (في المعنى):

- (۱) قد جاء في التاريخ أن إبراهيم (ع) أنقذ قومه من عبادة الأصنام!  
(۲) أيها الإنسان لا تحزن علي ما فأنك، ان اليأس يُبعدك من الله!  
(۳) أظنّ الإنسان انّ الله يتركه سدي و وحيداً!  
(۴) إلهنا وربنا نعلم أنك مع عبادك دائماً!



خارج از کشور

○ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۲۶-۳۵)

۲۶. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»:

- ۱) الله سرور آنان است که ایمان بیاورند و آنها از ظلمت بسوی نور خارج می‌شوند!
- ۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها بسمت نور خارج می‌سازد!
- ۳) خداوند سروری دارد بر آنان که ایمان آوردند و آنان از تاریکی خارج می‌شوند و بسمت نور می‌روند!
- ۴) الله ولایت دارد بر کسانی که ایمان آورده باشند، و آنها را از ظلمت بیرون می‌آورد و به سوی نور می‌برد!

۲۷. «الجمالُ هو أن تزرع وردةً في بستان، ولكنَّ الأَجْمَلَ منه هو أن تغرس الحُبَّ والصدقَ في قلب إنسان!»:

- ۱) زیبا آن است که گلی در بوستان کاشته شود، ولی زیباتر از آن کاشتن عشق و راستی در قلب انسان است!
- ۲) زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری، ولیکن زیباتر، کاشت محبت و صفا در دل انسان است!
- ۳) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی، ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری!
- ۴) زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری، ولیکن زیباتر از آن این است که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری!

۲۸. «هؤلاء الأصدقاء الأوفياء لا يكذبون أبداً لأنهم قد عودوا أنفسهم على الصراحة في الكلام!»:

- ۱) این دوستان باوفا هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان خود را به صراحت در سخن عادت داده‌اند!
- ۲) این دوستان باوفا ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه آنها به صریح گفتن خویش عادت کرده‌اند!
- ۳) اینها دوستان باوفائی هستند که هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان به صراحت خود، عادت کرده‌اند!
- ۴) اینها دوستان باوفایند که ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه خودشان را به صریح گفتن، عادت داده‌اند!

۲۹. «يقبل الشباب على من له أفكار عميقة وحديثة إقبالا، ويرغبون في من يعمل بما يقول رغبة كثيرة!»:

- ۱) جوانان آن کس را که فکر ژرف و تازه دارد بسیار می‌پذیرند و آن را که به آنچه می‌گوید عمل می‌کند، قطعاً دوست دارند!
- ۲) به یقین جوانان کسی را که دارای فکر عمیق و نو است، می‌پذیرند و کسی را که عامل به هر چیزی باشد که می‌گوید دوست دارند!
- ۳) جوانان قطعاً به کسی که افکار عمیق و جدیدی دارد روی می‌آورند و به کسی بسیار علاقمند می‌شوند که به چیزی که می‌گوید عمل کند!
- ۴) همیشه جوانان به کسی که افکاری ژرف و جدید دارد روی می‌آورند، و به آن کس بسیار علاقمند می‌شوند که عمل کننده به آن چیزی باشد که می‌گوید!

۳۰. «هناك مئات الطيور تبني أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر وتغذف أفراسها منها لتتعلم الطيران!»:

- ۱) صدها پرنده لانه‌های خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوه‌ها می‌سازند تا جوجه‌ها را از آنجا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آنجا صدها پرنده است که آشیانه‌ها را بر کوه‌هایی به بلندای بیشتر از دو هزار متر بنا کرده جوجه‌هایشان را از آنجا می‌پراندند برای اینکه پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آنجا صدها پرنده لانه‌هایشان را بر کوه‌هایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیشتر است بنا می‌کنند و جوجه‌های خود را از آن می‌اندازند تا پرواز کردن را به آنها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرنده وجود دارند که آشیانه‌های خود را بر کوه‌هایی که ارتفاع آنها بیش از دو هزار متر است می‌سازند و جوجه‌هایشان را از آنجا پرتاب می‌کنند تا پرواز را یاد بگیرند!



۳۱. «هو أقربُ شخص لي و إن كان بعيداً مِنِّي مسافاتٍ!»:

- ۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافت‌هایی از من دور شده است!
- ۲) او اگر چه مسافت‌ها از من دور شده است ولی شخص نزدیک‌تر به من اوست.
- ۳) نزدیک‌ترین فرد به من کسی است که از من مسافت‌هایی دور شده باشد!
- ۴) او نزدیک‌ترین فرد به من است اگر چه از من مسافت‌ها دور باشد!

۳۲. «قررتُ مع أخي الصغير أن نذهب غداً رأس الساعة العاشرة والنصف لمشاهدة آثار المتحف التاريخيّة!»:

- ۱) با برادر کوچکم قرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- ۲) با برادر کوچکترم قرار گذاشتم رأس ساعت ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه‌های تاریخی برویم!
- ۳) من و برادر کوچکترم قرار گذاشته‌ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- ۴) من با برادر کوچکم قرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه‌ها برویم!

۳۳. عین الخطأ:

- ۱) هل تعلم أنك تستطيع أن تصنع العطر من النفط: آیا می‌دانی که تو می‌توانی از نفت عطر بسازی!
- ۲) أحب أن يجعلني الله ممن يبقي ذكركم: دوست دارم که خدا مرا از کسانی قرار دهد که یادشان باقی می‌ماند!
- ۳) للمؤمن كلامٌ لينٌ يجذب به قلوب الناس: مؤمن سخنی نرم دارد که به وسیله آن قلب‌های مردم را جذب می‌کند!
- ۴) اللهم! أعطنا ما تحب و اجعله في سبيل كسب رضاك: خدایا! به ما آنچه را دوست داری عطا کن و آن را در راهی قرار بده که راضی هستی!

۳۴. عین الخطأ:

- ۱) قلّة الكلام من «آداب من عودوا لسانهم عليها: کم سخن گفتن از آداب کسانی است که زبانشان را به آن عادت داده‌اند!
- ۲) طوبى لمن يحفظ نفسه من الزلزل بالتفكر المستمر: خوشا به حال کسی که با اندیشیدن مداوم، خودش را از لغزش حفظ می‌کند!
- ۳) لعقول المستمعين قدر فكلّمهم على ذلك القدر: عقل‌های شنوندگان قدر و اندازه‌ای دارد پس سخنان آنها به اندازه همان است!
- ۴) يحدث الجاهل بما يخاف تكذيبه و لذلك يلدن: نادان از چیزی سخن می‌گوید که از تکذیبش می‌ترسد و به این دلیل، پشیمان می‌شود!

۳۵. «سخن بگوئید تا شناخته گردید، زیرا شخص در زیر زبانش پنهان شده است!». عین الصحیح:

- ۱) تحدّثوا تعرفوا فالمرء مخبوء في لسانه! (۲) تكلّموا تعرفوا فإن المرء مخبوء تحت لسانه!
- ۳) تحدّثوا كي تعرفوا فكل شخص مخفي من لسانه! (۴) تكلّموا حتّى تعرفن لأنّ كل شخص مخفي خلف لسانه!

○ اقرأ النصّ التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۶-۴۲) بما يناسب النصّ:

يعيش الكثير من الأشخاص في هذه الحياة بشكل غير منظم، فهم لا يهتمون بالوقت الفراغ الذي يقضونه بكثرة في حياتهم دون أية فائدة!! و هذه نتيجة جهلهم في كيفية إدارة الحياة و تنظيمها؛ فعلى سبيل المثال هؤلاء يمرّون بمواقف تُضيق منهم أوقاتاً كثيرة و هم لا يستطيعون ألا يواجهوها لكنّها تُسبب تعبهم الرّوحى و الجسمى و كذلك تضيق أوقاتهم عند مواجهة الناس من الأقارب و الأهل و الأصدقاء يُسبب لهم مشاكل كثيرة و هم لا يعلمون كيفية حلّها! يجب أن يضع كل شخص لنفسه نظاماً معيّناً لحياته، بحيث يعرف ما يُريد أن يفعل في يومه أو عطلة في نهاية الأسبوع و كذلك ما هي الغاية التي يُريد أن يصل إليها في نهاية السّنة و هذا الأمر يطلب منه أن يصنّع جدولاً يسير على أساسه حتى يقدر أن يسجّل النظم في حياته!



۳۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ: من أهمِّ الأمور في تنظيم الحياة.....

- (۱) تعيين الأهداف اجتناباً من النظم في إدارة الحياة!
- (۲) تسجيل الأوقات الفارغة و تعريفها حتى لا ننساها!
- (۳) أن يقوم الإنسان بتهيئة برامج أو جداول لأعماله اليومية و الأسبوعية و السنوية!
- (۴) ازدياد الرغبة في الاهتمام بكيفية قضاء الأوقات الفارغة و هي كثيرة في الحياة!

۳۷. عَيْنُ الصَّحِيحِ: الذي يسير وفق نظام معين في الحياة.....

- (۱) تقلُّ مشاكله و تعبته في نهاية عمله!
- (۲) لا يحتاج إلى جدول منظم لتقسيم الأوقات الضائعة!
- (۳) يبتعد عن أي شيء يريد أن يفعله في الأيام المقبلة!
- (۴) لا يعتني بذلك الوقت الفارغ الذي يفوت من يده و لا يسجله!

۳۸. ما هي نتائج فقدان النظم في الحياة؟ عَيْنُ الخِطَاءِ:

- (۱) فقدان الشعور بالراحة!
- (۲) عدم الخسارة في إدارة أمور الحياة!
- (۳) القيام بأعمال لا تفيد و لا تغني عن شيء!
- (۴) زيادة تضييع الأوقات في مواجهة الآخرين!

۳۹. عَيْنُ غير المناسب لعنوان النص:

- (۱) الفُرْصُ سريعة الفُوت!
- (۲) أن الحياة دقائق و ثوان!
- (۳) من يزرع السوء يحصد الشر!
- (۴) من أطاع هواه ازدادت فراغاته في الحياة!

○ عَيْنُ الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲)

۴۰. «تُضَيِّعُ»:

- (۱) للمفرد المؤنث الغائب (= الغائبة) - حروفه الأصلية: «ض ي ع» و العرفان الزائدان: «ت ي»!
- (۲) فعل مضارع - للمفرد المذكر المخاطب - ماضيه - ضَيِّعُ - و مصدره «تضييع» من باب تفعيل - معلوم
- (۳) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية
- (۴) مضارع - للمؤنث الغائب - له حرف زائل من وزن «فَعَلَّ» / فعل و مع فاعله جملة فعلية، و «أوقاتاً» مفعوله

۴۱. «يُسَجِّلُ»:

- (۱) مضارع - للمفرد الغائب - مجهول / فعل و مع فاعله جملة فعلية و مفعوله «النظم»
- (۲) فعل مضارع - ماضيه «سَجَّلَ» على وزن «فَعَّلَ» و مصدره «تسجيل» من باب تفعيل
- (۳) صيغته للغائب - معلوم / فعل مضارع و مع حرف «أن» يعادل الماضي النقلي في الفارسية
- (۴) صيغته المفرد الغائب - حروفه الأصلية «س ج ل» و له حرف زائد (= مزيد ثلاثي) و فاعله «النظم»

۴۲. «أوقاتاً»:

- (۱) جمع مؤنث سالم - نكرة / مفعول لفعل «تضييع» و موصوف للصفة «كثيرة»
- (۲) جمع مكسّر أو تكسير (مفرده «وقت، مذكر) - نكرة / مفعول لفعل «تضييع»
- (۳) اسم - جمع سالم للمؤنث - نكرة . موصوف و صفته «كثيرة»
- (۴) اسم - جمع مكسّر أو تكسير (مفرده: وقت، مؤنث) - نكرة

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰)

۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) أتقى النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَمَا عَلَيْهِ!
- (۲) العنبُ البرازيليُّ شجرةٌ تختلفُ عن باقي أشجار العالم!
- (۳) الدَّلافينُ تُساعدُ الإنسانَ على اكتشافِ أماكنِ تجمُّعِ الأسماك!
- (۴) لكثيرٍ من الشعراءِ الإيرانيينِ مُلمَّعات، منهم حافظُ الشيرازي!

۴۴. عین الصحيح:

- (۱) الكتاب: بستان العالم يأخذ منه ثمراتٍ مختلفة!
- (۲) الحاجُّ: يقصده الحجاجُ في كلِّ عام لعبادة الله!
- (۳) الصحفي: من يقرأ الصحيفة اليومية كلَّ يوم صباحاً أو مساءً!
- (۴) الشُّرشف: نوع من القماش نستخدمه لتجفيف الوجه بعد غسله!

۴۵. عین الصحيح للفراغ: «دخلتُ الغرفة فوجدتها فارغة، فقامت ب..... المصاييح!»

- (۱) حفظ (۲) إطفاء (۳) تكسير (۴) اشتراء

۴۶. عین كلمة «الشَّر» لا يمكن أن تكون اسم التفصيل:

- (۱) جهلنا شرُّ أعدائنا إن نعرفه!
- (۲) أنَّ اليأسَ شرُّ الأشياءِ لتخريب حياة البشر!
- (۳) لا شرَّ إلا أن يُمكن دفعه بالتدبير!
- (۴) الشُّركُ بالله من شرِّ الأعمال التي تُبعدنا عنه!

۴۷. عین ما ليس فيه اسم مبالغة:

- (۱) الكذاب كالحفَّار يقع في حُفرته يوماً!
- (۲) هذا العَلامةُ كأنه مصباح في الأرض!
- (۳) يا أيُّتها النفس اللّوامةُ أرشديني إلى الحسنات!
- (۴) الزُّوار هم الذين يصلون ليشاهدوا الله في قلوبهم!

۴۸. عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) قد ضرني كثيراً اللَّعبُ الكمبيوترِيّ في هذه السَّنة!
- (۲) يَتَمنى إغلب الشباب أن يصلوا إلى النَّجاح بسهولة!
- (۳) يا صديقتي! لم لم تُعيني زميلاتك في تعلُّم الدروس!
- (۴) يبني النَّاسُ بيوتهم ليسكنوا ويستريحوا فيها!

۴۹. عین الجملة الشرطية:

- (۱) من شاغب في الشارع و ضرَّ الماشين!
- (۲) من ضحك علينا ليؤذينا فإنَّه قليل الثقافة!!
- (۳) أحبُّ من يُلزم الجُهد فإنَّه ناجح في حياته دائماً!
- (۴) من يجتهدون في حياتهم فإنَّهم واصلون إلى غاياتهم!

۵۰. عین ما يدلُّ على نفي الشيء نفيًا كاملاً:

- (۱) لا خيرٌ في الكذب!
- (۲) لا، أنت لا تكذب!
- (۳) لا شرَّ أريد و لا فتنة!
- (۴) لا الكذبُ أرغب فيه و لا الغيبة!





رشته انسانی خارج از کشور

○ عَيْنُ الْاَنْسَابِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ اَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ اَوْ اِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦ - ٣٥)

٢٦. «يقول الكافر يا ليتني كنت تُرابًا»:

- ١) كافر می گوید کاش از خاک بودم!
- ٢) کافری گفت: کاش خاک بودی!
- ٣) کافر می گوید: ای آرزوی من کاش تو از خاک بودی!
- ٤) کافر می گوید ای کاش خاک بودم!

٢٧. «إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»:

- ١) اگر انسان پای بند راستی و درستی باشد همه بدی هایی را که ضرر رسان به اوست، رها می کند!
- ٢) هرگاه انسان به همه صداقت ها ملتزم شود از بدی هایی که به او ضرر می زند خلاص می شود!
- ٣) هرگاه انسان پای بند راستگویی باشد از همه بدی هایی که به او ضرر می رساند رها می شود!
- ٤) اگر انسان به صداقت ها ملتزم باشد بدی هایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می کند!

٢٨. «الإحترام لا يدل على الحُبِّ، إنما يدل على حسن التربيّة؛ فاحترِم و لو كنت لا تحب!»:

- ١) احترام همیشه دلیل دوست داشتن نیست، فقط بر خوب تربیت شدن دلالت دارد؛ پس هر چند دوست نداشتی احترام بگذار!
- ٢) احترام کردن پیوسته به دوستی راهنمایی نمی کند، بلکه بر خوب تربیت شدن دلالت دارد؛ پس با اینکه دوست نداری احترام بگذار!
- ٣) احترام گذاشتن همیشه بر دوست داشتن دلالت نمی کند، فقط بر تربیت خوب دلالت دارد؛ پس احترام کن اگر چه دوست نداشته باشی!
- ٤) احترام گذاشتن پیوسته دلیلی بر دوستی نمی باشد، فقط دلیلی بر تربیت خوب است، در نتیجه احترام کن حتی اگر دوست نداشته باشی!

٢٩. «من يتوقّف في الماضي يمكن أن يفقد مستقبله الذي يستطيع أن يكون أساس حياته!»:

- ١) آن کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده ای را که احتمال دارد پایه زندگی او باشد، از دست بدهد!
- ٢) هر کس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده اش را که می تواند اساس زندگیش باشد از دست بدهد!
- ٣) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده اش را از دست بدهد، در حالی که آن ممکن است اساس زندگی او باشد!
- ٤) هر کس در گذشته باقی بماند شاید آینده خود را از دست بدهد، حال آنکه آن آینده قادر است پایه زندگیش باشد!

٣٠. «يُحذّر من يزرع العداوة من أنّه لن يحصد إلا الخسارة فلينتبه!»:

- ١) به کسی که دشمنی می کارد هشدار داده می شود به اینکه او فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید آگاه باشد!
- ٢) به کسی که دشمنی می کارد هشدار می دهیم به اینکه فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید او را آگاه کرد!
- ٣) به آنکه دشمنی را بکارد بیم داده می شود که درو نخواهد کرد جز زیان او، پس باید او را آگاه کرد!
- ٤) آنکه دشمنی بکارد بیمناک می شود که درو نمی کند مگر زیان را، پس باید متنّبّه باشد!

٣١. «إن تحقّق التوازن في الطّبيعة فسُتُشاهد الكائنات الحيّة الاستقرار فيها!»:

- ١) اگر توازن در طبیعت محقق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- ٢) چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد موجودات زنده آرامش در آن می بینند!
- ٣) اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده، دیده خواهد شد!
- ٤) چنان چه توازن در طبیعت تحقق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!



۳۲. «إن لم يكن أيُّ خطرٍ و صعوبةٍ في استخراج النَّفْثِ لَقد أصبح سعْزُهُ رَخيصاً جدًّا!»:

- ۱) اگر هیچگونه خطر و سختی در استخراج نفت نباشد بهای آن بسیار ارزان می شود!
- ۲) چنانچه هیچ خطر و سختی در استخراج نفت نباشد قیمتش خیلی پایین تر می آید!
- ۳) اگر خطر و سختی در خارج کردن نفت نبود قیمت آن خیلی ارزان تر می شد!
- ۴) چنانچه هیچگونه خطر و سختی ای در خارج شدن نفت نبود بهایش بسیار پایین می آمد!

۳۳. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) فُلْنَعْتَمَدٌ عَلَى الْعُقَلَاءِ حَتَّى نَتَنَفَّعَ بِعِلْمِهِمْ: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!
- ۲) لِي زَمِيلٌ مُشْتَقٌ كَثِيرًا لِرِيَاةِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می باشد!
- ۳) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ابْتَدَعَ عَنِ الْخَطَا: کسی که قبل از اینکه سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!
- ۴) عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ لَا يُحْمَلَا أَوْلَادَهُمَا مَا لَيْسَ لَهُمْ طَاقَةٌ بِهِ: والدین باید بر فرزندان شان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!

۳۴. عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) إِنِّي قَدْ قَبِلْتُ مَسْئُولِيَةَ إِطْفَاءِ الْهَوَاءِ بَعْدَ أَنْ تَفَرَّعَ الْمَكْتَبَةُ مِنَ الطَّلَابِ: من مسؤولیت خاموش کردن کولر را بعد از خالی شدن کتابخانه از دانش آموزان، پذیرفته ام!
- ۲) يَتْلُو هَذَا الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ يَوْمٍ فِي الْاِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ: این دانش آموزی است که هر روز در صف صبحگاهی قرآن می خواند!
- ۳) إِنَّ نَصْلَ إِلَى التَّجَاحِ فِي بَدَايَةِ الْأَمْرِ فَلَا مَعْنَى لِلْسَّعْيِ: اگر در ابتدای کار موفق می شدیم تلاش مفهومی نداشت!
- ۴) لَمَّا جَاءَتْنِي أُمِّي بِالطَّعَامِ شَكَرْتُهَا كَثِيرًا: وقتی مادرم همراه با غذا بیاید، از او بسیار تشکر می کنم!

۳۵. «از دوستی کردن با دروغگو بپرهیز، که او چون سراب است!»:

- ۱) إِحْذَرِ الْمَصَادِقَةَ لِلْكَاذِبِ، فَهُوَ كَسْرَابٍ! ۲) إِيَّاكَ وَمَصَادِقَةَ الْكَذَّابِ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ!
- ۳) إِحْذَرِ أَنْ صَادَقْتَ الْكَاذِبِ، فَهُوَ سْرَابٍ! ۴) إِيَّاكَ أَنْ تُصَادِقَ الْكَذَّابِ، لِأَنَّهُ السَّرَابِ!

○ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶ - ۴۲) بِمَا يَنْسَبُ النَّصَّ:

في إحدى المحطات كان «غاندي» يركض \* مُسرِعًا مع سائر الركاب نحو القطار حتى يلحق به. بدأ القطار بالتحرك، مما سبب أن يجري غاندي مسرعًا إلي أن قُرب من اللحاق به، فقفز قفزة تمكن فيها من الصعود إلي القطار! عندئذ ابتسم غاندي لأنه رأى أن تلك القفزة سببت سقوط أحدِ جِذَاءَيْهِ \*\* خارج القطار دون أن يشعر به. فلم يتأمل كثيرًا و خلق جِذَاءَهُ الثَّانِي و رماه بسرعة ليستقر قريبًا من الأول! فتعجب الركاب من فعله هذا، و سألوه عن سبب عمله، فقال المهاتما غاندي: لَنْ أَسْتَطِيعَ الْعُودَةَ لِإِحْضَارِ مَا سَقَطَ مِنِّي، كَمَا لَا يُمَكِّنُ لِي أَنْ أَسْتَفِيدَ مِنَ الثَّانِي إِذَا مَا بَقِيَ مَعِي، فَرَمَيْتُهُ قَرِيبًا مِّنْ يَجْدُهُمَا فَيَنْتَفِعَ بِهِمَا مَعًا!

\* يَرْكُضُ: يَمْشِي بِسُرْعَةٍ

\*\* جِذَاءٌ: نَعْلٌ مَا يَلْبَسُ الْإِنْسَانُ فِي رِجْلِهِ

۳۶. متي قام غاندي بالقفز نحو القطار؟ عَيْن الصَّحِيح:

- ۱) حين وصل إليه بعد ساعة!
- ۲) عندما اقترب منه!
- ۳) حينما بدأ يجري مسرعًا نحوه!
- ۴) قبل أن يتحرك القطار!



۳۷. متي و إلي أين رمي حذاءه الثاني؟: عَيِّن الصَّحِيح:

- (۱) رماه إلي خارج القطار لَمَا قفز نحوه!  
(۲) بعد أن فكَر كثيرًا، رما قريبًا من الأول!  
(۳) بمجرد أن استقرَّ، رماه إلي خارج القطار!  
(۴) بمجرد أن بدأ القطار بالتحرك رماه نحو الحذاء الأول!

۳۸. عَيِّن الخطأ؟

- (۱) إنَّ غاندي ما كان يركض قبل الوصول إلي محطة القطار!  
(۲) لم يَصِل في الموعد المقرَّر فلم يقدر أن يركب كالآخرين!  
(۳) لم يستطع غاندي أن يركب القطار إلَّا بعد أن قفز فيه!  
(۴) رمى المهاتما حذاءه به بعد أن استقرَّ في القطار!

۳۹. صف لنا «غاندي» كما جاء في النص. عَيِّن الصَّحِيح:

- (۱) لم يكن شيخًا!  
(۲) كان وحيدًا في قضية التأخير!  
(۳) كان يسافر مع رفقائه فكانوا يعرفونه!  
(۴) بعد دقائق من وصوله إلى المحطة رأى أنَّ القطار قد تحرك!

○ عَيِّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠. «ابتسم»:

- (۱) ماضي - للمفرد المذكر الغائب (= الغائب) - متعدّد - معلوم / فاعله «غاندي» و مرفوع  
(۲) فعل ماضي - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب افتعال) / فعل و فاعله «غاندي» و الجملة فعلية  
(۳) مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان)، و حروفه الأصلية «ت س م» - لازم / فعل و فاعله «غاندي»  
(۴) ماضي - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (له حرف زائد واحد) - معلوم / فاعله «غاندي» و الجملة فعلية

٤١. «تعجّب»:

- (۱) ماضي - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعل) - لازم / فعل و فاعله «الركاب»  
(۲) للمؤنث الغائب - حروفه الأصلية «ع ج ب» و له حرفان زائدان / فعل و فاعله «الركاب»  
(۳) فعل ماضي - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - لازم - معلوم / فاعله «الركاب» و الجملة فعلية  
(۴) مزيد ثلاثي (حروفه الزائدة: ت، ج) - متعدّد - معلوم / فاعله «الركاب» و مرفوع، و الجملة فعلية

٤٢. «قفزة»:

- (۱) اسم - نكرة - مبني / مفعول مطلق نوع لفعل «قفز» و منصوب  
(۲) مفرد مؤنث - مصدر (فعله «قفز» مجرد ثلاثي) - مبني / مفعول مطلق  
(۳) مفرد مؤنث - مصدر (من فعل مجرد ثلاثي) - نكرة / مفعول مطلق للتأكيد  
(۴) اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب / مفعول مطلق لبيان النوع و منصوب

○ عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣ - ٥٠)

٤٣. عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) تَعَلَّمُوا العِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَه السُّكِينَةَ وَ الوَقَارَ!  
(۲) تعيش الأسماك في النَّهْرِ وَ البَحْرِ وَ لَهَا أنواع مختلفة!  
(۳) ازدادت المُفردات العربيَّة في اللُّغة الفارسيَّة بعد طُهور الإسلام!  
(۴) كَبُرَتْ خيانتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ أَخاك حَدِيثًا، هو لك مُصَدِّق، و أنت له كاذب!

۴۴. عین غیر المناسب للفراغ: «نصحتُ الطفل الذي ..... النفايات على الأرض!»

(۱) رمى (۲) زان (۳) ألقى (۴) ترك

۴۵. عین الصحيح:

- (۱) الشَّرْشَف: قطعة قماش، بعض النساء يلبسنه!
- (۲) الصُّدَاع: وجع في الأنف تختلف أنواعه وأسبابه!
- (۳) أنبوب: النفت يصعد بواسطته من أعماق البئر إلى سطح الأرض!
- (۴) الجوز: ثمرة قشرها صلبٌ وتناولها مع الجنبه دون أن نكسرهما!

۴۶. عین حرف «ن» من الحروف الأصلية للفعل:

- (۱) يَنْقَلُ النَّفْطُ بالناقلات في المناطق التي لا توجد الأنابيب!
- (۲) لا تنقطع الأشجار في الغابات إلا وهو خسارة لبيئتنا!
- (۳) يَنْطَلِق طائرُ الطنان بسرعة ويتوقف بسرعة أيضًا!
- (۴) إذا يَنْكسر سوّ الجهل يبتعد لحن عن الحماقة!

۴۷. عین نائب الفاعل ليس جمع تكسير:

- (۱) تمرّر أفاهنا عندما يُصينا الزّكام إصابةً!
- (۲) إن ملئت قلوبنا إيماناً لا تدخل الدّنوب فيها!
- (۳) تُؤكّد ظواهر الطبيعة الكثيرة أن العالم ما خلق عبثاً!
- (۴) قال الطبيبُ تعدّ الأصوات المرتفعه تهديدًا لسمعنا!

۴۸. عین ما ليس فيه نون الوقاية:

- (۱) إستعيني برّبك الكريم في الحياة الدنيا والآخرة!
- (۲) حفظتني أمي من الطفولية حتّى الآن فأحبّها كثيرًا!
- (۳) طلب مئى المعلم أداء واجباتي المدرسيّة في البيت!
- (۴) ما نصرني في صعوبات الحياة إلا هذا الصديق الوفي!

۴۹. عین المناسب للفراغين من الحروف المشبهة بالفعل:

«..... صديقي يستشير الأستاذ ..... به يُفیده في الحياة!»

(۱) أنْ / لعلْ (۲) لكنْ / ليت (۳) ليت / لعلْ (۴) أنْ / لكنْ

۵۰. عین حرف «لا» يختلف في النوع والمعني:

- (۱) إننا لا نُحبّ أن نستمع إلي كلام ليس له فائدة!
- (۲) لا محاولة هناك دون نتيجة و سيري الإنسانُ ثمرتها!
- (۳) لا يبتعد العباد المؤمنون عن الصراط المستقيم إن شاء الله!
- (۴) اليوم لا تطبخ أمي طعاماً في البيت لأنّها قد طبخته من قبل!



## پاسخ نامه تشریحی: سوالات کنکور سراسری ۹۹

### رشته ریاضی

۲۶. «من ذکر و أنثی (نکره):» از یک نر و یک ماده، از یک مرد و یک زن (۳ و ۲) / «جعلناکم شعوباً و قبائل»: شما را ملت‌ها و قبایل (قبیله‌ها، عشیره‌ها) قرار دادیم (رد سایر گزینه‌ها) / «لِتَعَارَفُوا»: تا با یکدیگر آشنایی یابید، تا یکدیگر را بشناسید (رد ۲ و ۴؛ «شاید» در گزینه ۴ اضافی است.)

۲۷. «مَنْ أَرَادَ»: هرکس بخواهد (رد سایر گزینه‌ها؛ «مَنْ» ادات شرط و «أَرَادَ» فعل شرط است که به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.) / «أَنْ يَنْجَحَ (مضارع التزامی):» موفق بشود (شود)، پیروز گردد (رد ۳) / «فَلْيَجْعَلْ (امر):» باید قرار دهد (رد ۳ و ۱) / «صَدِيقَهُ الْحَمِيمِ»: دوست صمیمی‌اش، دوست صمیمی خویش (رد ۱ و ۲) / «مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمِ»: مشاور دانایش، مشاور خردمند خویش (رد ۱ و ۲)

۲۸. «ثُمَّ»: سپس (رد سایر گزینه‌ها) / «كُنَّا مَخْطُئِينَ»: خطا کرده بودیم، خطاکار بودیم (رد ۳ و ۴) / «خودمان» در ۱ و «حتماً» در ۴ اضافی هستند. / «مُعْتَرَفِينَ (حال):» اعتراف کرده، ضمن اعتراف، در حالی که... اعتراف‌کننده (رد ۳) / «مینه: از او» و «بذلك: از آن» در ۳ و ۱ ترجمه نشده‌اند. / «دلیل (نکره):» دلیلی (رد ۱) / «می‌باشد» در ۳ و «خواهد بود» در ۴ معادلی در عبارت عربی ندارند.

۲۹. «الْهَمْسُ الَّذِي»: بیچ کردنی که، آهسته سخن گفتنی که، در گوشه سخن گفتنی که (رد ۳ و ۲) / «التَّعْلَمُ»: آموختن، یادگیری (رد ۲ و ۱) / «فِي الصَّفِّ»: در کلاس (رد ۳ و ۲) در جای مناسب خود ترجمه نشده‌اند و باید بعد از ترجمه «التَّعْلَمُ» بیابند. / «يَضْرُكُ ضَرْماً»: به تو ضرری می‌رساند که، به تو ضرر می‌رساند به گونه‌ای که («کاملاً» و «قطعاً» در ۱ و ۲ نادرست هستند، زیرا «ضراً» چون پس از آن جمله وصفیه «لَا تَنْتَبَهُ» آمده است، مفعول مطلق نوعی است نه تأکیدی.)

۳۰. «كَمَجْمُوعَةٍ»: همچون (چون) مجموعه‌ای (رد سایر گزینه‌ها؛ «که» در ۱ و ۲ اضافی است، و «چون» در ۴ در جای مناسب خود ترجمه نشده است.) / «الدَّرَرُ (جمع):» مرواریدها (رد ۱ و ۴) / «بَيْنَ مِائَاتِ آلَافٍ»: در میان صدها هزار (رد ۱ و ۲) / «پهنه» در ۲ و ۴ اضافی است. / «تُسَمَّى (مضارع مجهول):» نامیده می‌شود (رد ۱ و ۲)

۳۱. «قُوَّةُ هَذَا الإِعْصَارِ»: قدرت این گردباد، نیروی این طوفان (رد ۲ و ۴) / «تَسْحَبُ (مضارع اخباری):» می‌کشاند (رد سایر گزینه‌ها؛ در ۲ اشتباه ترجمه شده است و در ۳ به صورت «ماضی استمراری» ترجمه شده است.) / «مکان بعید (نکره):» مکانی دور، مکانی دور دست (رد ۳ و ۲) / «عَلَى بُعْدٍ»: در فاصله (در ۳ و ۲ ترجمه نشده است.) / «مِائَتِي كِيلُومِتْرٍ (نکره):» دویست کیلومتری (رد ۳ و ۲) / «دورتر» و «آن طرفتر» در ۳ اضافی هستند.

۳۲. «عُمُرُ نَوْعٍ (نکره):» عمر نوعی (رد ۱ و ۲) / «مِنْ هَذِهِ الأشْجَارِ الطَّوِيلَةِ الْعَجِيبَةِ»: از این درختان بلند عجیب، از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز (رد ۱ و ۳) / «قَدْ يَصِلُ»: گاهی می‌رسد (رد ۳ و ۲)

۳۳. بررسی گزینه‌های نادرست:

۱) «تكون» فعل مضارع صیغه «هي» است نه «أنت» و «الحياة» فاعل آن است نه مفعول. ترجمه صحیح: «زندگی هرگز بدون نقص نخواهد بود ولی همیشه زیبا است.»

۲) «الکبری (مفرد مؤنث)» در ترکیب «آیات ربنا الکبری» صفت برای «آیات» است نه «رب». ترجمه صحیح: «... و در آنجا نشانه‌های بزرگ‌تر پروردگاران را دیدیم.»

۴) «لا تدور... إلا» اسلوب حصر است که می‌تواند به صورت مثبت و مؤگد ترجمه شود. هم‌چنین «مختلف» در ترجمه فارسی اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد و «الهرباء» نیز به معنی «آفتاب‌پرست» است. ترجمه صحیح: «چشم فقط در برخی حیوانات مثل آفتاب‌پرست در دو جهت می‌چرخد.»



۳۴. ۴۲ در (۴) ضمیر «هو» ترجمه نشده است، هم‌چنین «یحمی» فعل مضارع است که صحیح ترجمه نشده است. «من شورو الحادئات» نیز صحیح ترجمه نشده است.

ترجمه صحیح: «پروردگار ما همان کسی است که همیشه ما را از بدی‌های حادثه‌ها حفظ می‌کند.»

۳۵. ۴۱ «یک ساعت تفکر»: تفکر ساعة (رد سایر گزینه‌ها؛ «یک ساعت» نکره و «تفکر» مفرد است.) / «هفتاد سال»: سبعین سنة (رد ۳ و ۴) / «عبادت (مفرد)»: عبادۃ (رد ۲ و ۴) / «من: از» در (۳) و (۴) که قبل و بعد «سبعین» آمده است، اضافی است. ترجمه متن درک مطلب:

«ماهگیری از بیشترین شغل‌هایی به شمار می‌رود که انسان به آن مشغول است، تا زندگی خود را به‌ویژه در مناطق ساحلی یا مناطق احاطه شده با دریاچه‌ها و رودخانه‌ها اداره کند (بچرخاند)، به‌طوری که گوشت‌های ماهیان یکی از مهم‌ترین منابع غذا را تشکیل می‌دهند که انسان در جهان از آن استفاده می‌کند.

هم‌چنین ماهیان منبع غذایی مهمی برای انسان در زمان‌های قدیم بوده‌اند و بسیاری از کنده‌کاری‌های سنگی قدیمی مربوط به دوره فرعونیان یافت شده است که بر صید ماهیان و روش ماهگیری آنها و تغذیه‌شان از آنها دلالت می‌کند. علاوه بر این انسان در دستیابی به آن سختی‌ای نیافت (ندید). شغل ماهگیری به ورزشی دوست‌داشتنی نزد بسیاری از مردم تبدیل شده است تا جایی که تعداد کسانی که آن را انجام می‌دهند، به میلیون‌ها نفر می‌رسد. برخی از مردم هستند زمانی که به مناطقی می‌روند که این فرصت و امکان وجود دارد مشغول صید می‌شوند ولی با وسایلی ساده، و روش‌های صید به مرور زمان متحول شد و روش‌های به کار برده شده در ماهگیری زیاد شد.»

۳۶. ۴۳ [گزینه] درست را مشخص کن: نقش‌های سنگی قدیمی بر این دلالت دارد که...

۱) مردم آرزو می‌کردند که مشکل گرسنگی خود را برطرف کنند!

۲) صید ماهیان یک شغل جدیدی بود که ما آن را از اجدادمان نمی‌آموختیم!

۳) گذشت زمان باعث تحوّل در کیفیت صید ماهیان شده است!

۴) تنها منبع غذای مهم از قدیم گوشت ماهیان بوده است!

۳۷. ۴۲ [گزینه] نادرست را مشخص کن: چرا از زمان قدیم صید ماهیان از مهم‌ترین شغل‌ها برای انسان بوده است؟

۱) زیرا ماهی ثروتی طبیعی بود که مردم آن را در طبیعت می‌یافتند!

۲) زیرا آنها اوقات فراغتشان را با مشغول شدن به این کار پر می‌کردند!

۳) زیرا برای انسان آسان بود که به آن دست یابد تا به وسیله آن نیازهایش را برطرف کند!

۴) زیرا صید ماهیان تنها جلوی گرسنگی‌اش را نمی‌گرفت، بلکه به او در اداره زندگی‌اش نیز کمک می‌کرد!

۳۸. ۴۴ [گزینه] نادرست را مشخص کن: زمان گذشت و مردم فهمیدند...

۱) راه‌های مختلف را برای صید ماهیان!

۲) چگونگی به کار بردن ماهگیری را به عنوان یک ورزش!

۳) چگونه با وسایل ساده به صید مشغول شوند!

۴) که گوشت ماهیان در هر جایی بهترین منبع برای غذایشان است!

۳۹. ۴۵ آنچه را در متن نیامده است، ذکر کن:

۱) صیادان روش کارشان را به مرور زمان تغییر دادند!

۲) راه‌های بسیاری برای شکار وجود دارد که مردم همه آنها را از قدیم می‌دانستند!

۳) برخی از مردم اوقات فراغت خود را با اقدام به ماهگیری پر می‌کنند!

۴) مردم از وسایل سنگین و جدید برای صید استفاده نمی‌کردند!

۴۰. ۴۱ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲) فاعله محذوف ← فاعله «الإنسان» [«یشتغل» فعل مضارع معلوم است و فاعل آن «الإنسان» می‌باشد].

۳) إنفعال ← إفتعال [«یشتغل» فعل مضارع از باب «إفتعال» است: اِشْتَعَلَ يَشْتَعِلُ اِشْتِعَالًا اِشْتِعَالًا]

۴) له ثلاثة حروف زائدة ← له حرفان زائدان [باب «اقتعال» دارای دو حرف زائد است.]



۴۱. خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) ماضیه «تَشَكَّلٌ» ← ماضیه «شَكَّلٌ» / مصدره «تَشَكَّلٌ» ← مصدره «تَشَكَّلٌ» / «علی وزن «تَفَعَّلٌ» ← علی وزن «تَفَعَّلٌ» «تَشَكَّلٌ» فعل مضارع از باب «تفعیل» است. [

(۳) للمخاطب ← للغائبة [تَشَكَّلٌ] صیغه للغائبة (مفرد مؤنث غایب: هی) است. [

(۴) فاعله «الأسماك» ← فاعله «لِحَوْمٍ» [«الأسماك» مضاف الیه است. [

۴۲. خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) مصدره «تصدیر» ← مصدره «صدر» [اسم مکان از فعل ثلاثی مجزء ساخته می‌شود، لذا «تصدیر» که مصدر باب «تفعیل» است، نادرست می‌باشد. [

(۳) المضاف: «الغذاء» ← المضاف‌إلیه: «الغذاء» [«مصادر الغذاء» ترکیب اضافی است که «مصادر» مضاف و «الغذاء» مضاف الیه آن است. [

(۴) اسم مفعول ← اسم مکان [«مصادر» جمع مکسر «مَصْدَر» است و اسم مکان می‌باشد. [

۴۳. - الخائفة ← الخائفة [«الخائفة» اسم فاعل از فعل ثلاثی مجزء است. [

- الأستوائية ← الإستوائية [«استواء» مصدر باب «افتعال» است. [

۴۴. ترجمه گزینه‌ها:

(۱) مزدوران: همان کسانی هستند که برای آسایش مردم کار می‌کنند! [توضیح داده شده با کلمه «الْعَمَال: کارگران» تناسب دارد. [

(۲) یکتاپرست: او کسی است که تنها خدای یگانه را می‌پرستد!

(۳) دریاچه: آب رودها در آن وارد می‌شود و آن بزرگ‌تر از دریا است! [توضیح داده مربوط به کلمه «المُحِيط: اقیانوس» است. [

(۴) پنج‌شنبه: روز ششم از هفته و قبل از آن روز جمعه است! [قبل از روز پنج‌شنبه «الأربعاء: چهارشنبه» است. [

۴۵. معنی عبارت: «سعید در مسابقه برنده شد و به جایزه طلایی دست یافت، پس او برنده ..... است.» برای جای خالی عدد ترتیبی نیاز است که نقش «صفت» را نیز داشته باشد و با توجه به مذکر بودن «الفائز» که موصوف است، «الأوّل» صحیح می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «الأحد» به معنی «یکشنبه» است و مناسب جای خالی نیست.

(۳) «الواحد» به معنی «یک» است و عدد اصلی می‌باشد.

(۴) «الأولی» به معنی «نخست» است و عدد ترتیبی می‌باشد، اما چون مؤنث است برای «الفائز» مناسب نیست.

۴۶. در گزینه (۲) «أكبر (جمع مکسر «أكبر»)» اسم تفضیل است و «مکتبة» و «مکاتب (جمع مکسر «مکتبة»)» نیز اسم مکان هستند. [«مدینة (شهر)» اسم مکان نیست. [

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «المتاجر» جمع مکسر «المتجر (مغازه، فروشگاه)» اسم مکان است، اما اسم تفضیل در این عبارت نیامده است. [«مفتوح» اسم مفعول است. [

(۳) «أرخص (ارزان‌تر)» و «أعلى (برتر)» هر دو اسم تفضیل هستند، اما اسم مکان در این عبارت نیامده است.

(۴) «المطابخ (جمع مکسر «المطبخ»)» اسم مکان است، اما اسم تفضیل در این عبارت نیامده است. [«أبيض (سفید)» اسم تفضیل نیست. [

۴۷. فعل «يتمى» در (۳) فعل مضارع از ریشه «مَنَى» است و «ن» جزء حروف اصلی (ریشه) آن می‌باشد. [«يتمى» از باب «تَفَعَّل» است. [

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) يُسَاعِدُنِي: يُسَاعِدُ + ن (وقایه) + ضمیر «ي» (۲) أَعْنِي: أَعْنُ + ن (وقایه) + ضمیر «ي» (۴) أَعَانَنِي: أَعَانَ + ن (وقایه) + ضمیر «ي»



۴۸. ترجمه عبارت: «در ساعت هفت صبح به همراه یازده همکلاسی از همکلاسی‌هایم به کتابخانه رفتیم، دو همکلاسی‌مان برگشتند ولی ما پنج ساعت آنجا ماندیم. هنگام برگشت تعداد ما ... نفر بود و ساعت ... بود.» برای جای خالی اول با یک جمع و تفریق ساده، به راحتی می‌توان به پاسخ دست یافت: من + ۱۱ نفر به کتابخانه رفتیم؛ یعنی ۱۲ نفر به کتابخانه رفتیم، بعد ۲ نفر از ما برگشتند که می‌ماند: ۱۰ نفر (رد ۴و۲)، بعد ساعت ۷ رفتیم و بعد پنج ساعت برگشتیم؛ یعنی بازگشت ما می‌شود: ساعت ۱۲ (رد ۲و۱)

برای جای خالی دوم، با توجه به اینکه «الساعة» مؤنث است، کلمه مؤنث «الثانية عشرة» مناسب است.

۴۹. در (۲) «و هي تحمّل» جمله حالیه اسمیه است و حالت «شجرة الخبز» را بیان کرده است. [واو حالیه / هي: مبتدا / تحمّل: خبر]

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «و» در «و تحمل» حرف عطف است و نمی‌تواند واو حالیه باشد. [هیچگاه «و» + فعل مضارع نمی‌تواند «جمله حالیه» باشد].  
(۳) فعل‌های پس از «الذی، الّتی، الذّین،...» هیچ نقشی ندارند؛ پس فعل «تحمل» چون پس از «الّتی» آمده است، نمی‌تواند حال باشد.

(۴) فعل «تحمل» پس از اسم نکره «شجرة» آمده است و آن را توصیف کرده است، بنابراین «جمله وصفیه» است نه حال.  
۵۰. در (۳) با توجه به مثبت بودن جمله قبل از «إلا» به سادگی می‌توان فهمید که «اسلوب حصر» نیست و «اسلوب استثناء» است. [«التّفاح» مستثنی و «أنواع الفواكه» مستثنی منه است. در سایر گزینه‌ها «السّيّارة»، «ما» و «بالذّهن» مستثنی هستند و «مستثنی منه» هیچ کدام از آنها در جمله قبل از «إلا» نیامده است و همگی «اسلوب حصر» هستند.

### رشته تجربی

۲۶. «كلمة سواء (نكرة):» سخنی (کلمه‌ای) یکسان (رد ۲ و ۳) / «تعالوا (فامر):» بیائید (رد ۳ و ۴) / «بیننا و بینکم»: بین ما و خودتان، بین ما و شما (رد ۳ و ۴) / «ألا نعبد إلا...»: که جز... نپرستیم، که فقط... پرستیم (رد سایر گزینه‌ها؛ حرف «و» در ۲ و ۳ و «و اینکه» در ۴ نادرست هستند.) / «که... بوده است» در ۲ و ۳ و «که... باشد» در ۴ نیز نادرست هستند. / حرف «از» در ۳ در عبارت «از الله» اضافی است.

۲۷. «أن نحترم»: که احترام بگذاریم (رد ۴) / «الأديان الإلهية»: دین‌های الهی (رد ۱ و ۳) / «أن نتعایش... تعایشاً سلمياً»: با... زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم، با... با مسالمت زندگی کنیم (رد ۴) / «مع المعتقدين»: با معتقدان (رد ۱ و ۳) / «بها»: به آنها (رد سایر گزینه‌ها)

۲۸. «الفشل تحمّله صعب»: شکست تحمّلش سخت است (رد سایر گزینه‌ها) / «يخلق»: خلق می‌کند، می‌آفریند (رد ۲) / «فُرصاً (جمع و نكرة):» فرصت‌هایی، موقعیت‌هایی (رد ۱) / «ستستفيد (مستقبل):» استفاده خواهی کرد (رد ۱ و ۲) / «منها»: از آنها (رد ۱ و ۲) / «للنّجاح»: برای پیروزی، برای پیروز شدن (رد ۱ و ۳) / «در» نادرست است. / «پذیرش» در ۱ و ۲ اضافی است.

۲۹. «نعرف»: می‌شناسیم (رد ۲) / «يعملون بما يقولون»: به آنچه (به چیزی که) می‌گویند عمل می‌کنند (رد ۱ و ۳) / «لا نجدّه (مضارع اخباری):» آن را نمی‌یابیم (رد ۱ و ۲) / «في الآخرين»: در دیگران (رد ۳) / «تأثير عميقاً»: تأثیر عمیقی (رد ۲ و ۳)

۳۰. «من الكتب»: از کتاب‌ها (رد ۴) / «ما»: آنچه (رد سایر گزینه‌ها؛ «هرچه» و «هر آنچه» در ۱ و ۲ نادرست است. در ۴ نیز ترجمه نشده است.) / «فكر قادر (نكرة):» فکری قادر (رد سایر گزینه‌ها) / «على تمييز المسائل»: بر تشخیص مسائل (رد سایر گزینه‌ها)

۳۱. «قد قام ب...»: به... اقدام کرده (نموده) است (رد ۲) / «يجتهد... اجتهاداً (مفعول مطلق تأکیدی):» بدون شک... تلاش می‌کند (رد سایر گزینه‌ها) / «فرحين (حال):» با خوشحالی (رد ۱ و ۲) / «سنة أيام من الأسبوع»: شش روز از هفته (رد ۱ و ۲)





۳۲. ﴿يُعَوِّد لِسَانَهُ﴾: زبان خود را... عادت دهد (رد ۴ و ۲) / «الكلام اللَّيِّن (نکره): سخن نرم، کلام لطیف (رد ۳) / «حَتَّى لَا يَخَافَ»: تا نترسند («نه تنها» در ۳ اضافی است.) / «بَلْ»: بلکه (رد ۴ و ۲) / «نَبِزٌ»: در ۴ اضافی است.) / «يُقْبَلُونَ عَلَيْهِ»: به او روی آورند (رد ۴ و ۲)

۳۳. بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) «ساعاتی از عبادت» نادرست است و صحیح آن «ساعت‌ها عبادت» می‌باشد.

(۲) «لَا يَقْفُونَ» یعنی «پیروی نمی‌کنند» [«لَا يَقْفُونَ» یعنی «توقف نمی‌کنند»]

(۳) ضمیر «بها» در «اطمئنانها» ترجمه نشده است. «مَنْ رَبَّهَا» نیز یعنی «از پروردگارش» که اشتباه ترجمه شده است.

۳۴. در ﴿أَنْ تُؤَجِّلَ﴾ فعل (۳) یعنی «که به تأخیر بیندازیم» که اشتباه ترجمه شده است. ترجمه صحیح: «هیچ تعجبی نیست که کارهای خوبمان را به تأخیر بیندازیم.»

۳۵. «عالمترین مردم (ترکیب اضافی)» «أَعْلَمُ النَّاسِ (رد سایر گزینه‌ها؛ «مَنْ» در ۴ و ۳ اضافی است. هم‌چنین «الأعلم» در ۲ نادرست است، زیرا مضاف نمی‌تواند «ال» بگیرد.) / «کسی است که: مَنْ، هُوَ الَّذِي» (رد ۳) / «افزود»: جمع (رد ۲ و ۳؛ «قد یجمع» در ۲ و «یجمع» در ۳ نیز به ترتیب به معنی «گاهی می‌افزاید» و «می‌افزاید» می‌باشند.)

ترجمه متن درک مطلب:

«نخستین گام در تغییر دادن زندگی همان توجه به امور مهم و پرداختن به آن‌هاست و از جمله این امور همان شناخت آرزوها و رؤیاهایمان است و همچنین اهدافی که آن‌ها را برای زندگی‌مان قرار داده‌ایم و تلاش در جهت بهبود بخشیدن آن‌هاست. و مهم این است که بدانیم دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه برای انسان نیازمند تأمل در زندگی اخلاقی و ارتقای آن و همچنین زندگی سالم با هم است. زیرا سلامتی همیشه باقی نمی‌ماند و بدون شک بدن با گذشت سال‌ها در معرض تغییرات فیزیکی گوناگونی و نیز تغییرات روحی و عاطفی قرار می‌گیرد. لذا از سفارشات تأکید شده در این زمینه همان توجه به تغذیه جسم و ذهن با هم است و آن هم به خاطر ایجاد زندگی متعادلی است که با تغییرات فیزیکی که با گذشت زمان برای او حاصل می‌شود، تناسب دارد. شایان ذکر است که انجام تمرینات مفید ورزشی به شخص برای زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندانه‌تر در زمینه جسمی و ذهنی کمک می‌کند»

۳۶. [گزینه] درست را مشخص کن:

(۱) ورزش‌های بدنی فقط به جسم کمک می‌کنند!

(۲) سلامتی تا زمانی که انسان آن را می‌خواهد در زندگی ادامه می‌یابد!

(۳) تغییرات فیزیکی و روحی و عاطفی فقط پس از زمان بسیار کمی برایمان آشکار می‌شوند!

(۴) هرکس بتواند میان امور مهم و غیرمهم خود فرق قائل شود، به نخستین گام در تشکیل زندگی سعادت‌مندانه پرداخته است!

۳۷. برای رسیدن به تعادل چگونه زندگی‌مان را تغییر می‌دهیم؟ [گزینه] نادرست را مشخص کن:

(۱) با پرداختن به تمرینات ورزشی که سلامتی بدن‌ها را حفظ می‌کند!

(۲) با قرار گرفتن در معرض تغییرات در برابر امور، حادثه‌ها و چیزها!

(۳) با توجه به جنبه ذهنی و تلاش برای خارج کردن ردیلت‌ها از آن!

(۴) با تغذیه بدن با مواد ضروری که سلامت بدن‌ها را حفظ می‌کند!

۳۸. هرگاه بخواهیم به خوشبختی در زندگی دست یابیم، چه چیزی به ما کمک می‌کند؟ [گزینه] درست را مشخص کن:

(۱) توجه زیاد به امور اخلاقی و بهداشتی!

(۲) کم‌توجهی ما به گذشت زمان و تأثیر آن بر ما!

(۳) تکیه بر آرزوها و رؤیاهایمان هر چیزی را برای ما تضمین می‌کند!

(۴) سلامت جسمی از هر چیزی (انسان را) بی‌نیاز می‌کند، زیرا آن خوشبختی را تضمین می‌نماید!



۳۹. مناسب‌ترین عنوان را برای متن مشخص کن:
- ۱) زندگی سعادتمندانه (۲) ورزش‌های مفید (۳) زندگی سالم و تأثیر آن (۴) اثر سلامتی در شناخت آرزوها
۴۰. خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۱) مصدره «تعریض» من وزن «تَفْعِيل» ← مصدره «تَعْرُض» من وزن «تَفْعُل» [«یتعَرَضُ» فعل مضارع از باب «تَفْعَل» است.]  
 ۳) حروف الزائده «ی، ت» ← حروفه الزائده «ت، ر» [حروف ابتدای فعل مضارع جزء حروف زائد باب‌ها نیستند.]  
 ۴) للمخاطب ← للغائب [«یتعَرَضُ» صیغه «مفرد مذکر غایب (هو)» است.]
۴۱. خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۲) حروفه الأصلية «س، ا، د» ← حروفه الأصلية «س، ع، د»  
 ۳) للمخاطب ← للغائبة [«تُسَاعِدُ» مربوط به صیغه «مفرد مؤنث غایب (هی)» است.]  
 ۴) حرفان زانندان ← حرف زائد [«تُسَاعِدُ» فعل مضارع باب «مفاعلة» است و یک حرف زائد دارد.]
۴۲. خطاهای سایر گزینه‌ها:
- ۲) خبره «خطوة» ← خبره «الاعتناء» [«خطوة» مضاف‌الیه است.]  
 ۳) معرفة ← نكرة  
 ۴) الأصلية ← الترتيبية [«أول» جزء اعداد اصلی است.]
۴۳. - الامتحانات ← الامتحانات [«امتحان» مصدر باب «إفْتَعَال» است.]  
 - تُسَاعِدُ ← تُسَاعِدُ [فعل مضارع از باب «مُفَاعَلَةٌ» است و بر وزن «تُفَاعِلُ» می‌باشد.]
۴۴. معنی عبارت: «... هوا را لطیف می‌کند و ما از آن در روزهای گرم استفاده می‌کنیم.» این توضیح مربوط به «مکئف الهواء (کولر)» است.  
 معنی سایر کلمات: «رایانه»، «جریان آب»، «جریان برق»
۴۵. ترجمه صورت سؤال و گزینه‌ها:  
 [گزینه] نادرست را درباره نشانه‌های مؤمن مشخص کن:  
 ۱) پرهیزکاری‌اش در پنهان و آشکار ثابت است!  
 ۲) به هنگام مصیبت فقط اندکی صبر می‌کند!  
 ۳) هنگام ترس و امید، راستگویی‌اش همیشگی است!  
 ۴) فقط هنگامی که خشمگین می‌شود بسیار بردباری می‌کند!
۴۶. در (۲) «أحسن» فعل امر از باب «إفْعَال» است و اسم تفضیل نیست. ترجمه: «به مردم نیکی کن همچنان‌که می‌خواهی به تو نیکی شود.»  
 بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) «أكبر» اسم تفضیل است. ترجمه: «بزرگترین حیوانی که اطراف خود می‌بینیم، فیل است.»  
 ۲) «الأخیرین» و «أحسن» هر دو اسم تفضیل هستند. ترجمه: «واجب است که دیگران را بهتر از خودمان ببینیم.»  
 ۴) «أکره» اسم تفضیل است. ترجمه: «ناپسندترین کارها برای قطع ارتباط میان مردم، غیبت است.»
۴۷. حرف «ن» دوّم در فعل «تُعِينُونِي (تُعِينُو + ن + ضمیر «ی»)» نون وقایه است. [«تُعِينُونُو» که از ریشه «عون» است، در اصل «تُعِينُونُو» بوده است که چون حرف «لَم» بر سر آن آمده، حرف «ن» از آخر آن حذف شده است.]  
 در سایر فعل‌ها حرف «ن» جزء حروف اصلی (ریشه) فعل است و نون وقایه نیست: «أَتَمَمْتَنِي (م، ن، ی)» / «تَحْزَنِي (ح، ز، ن)» / «تُعِينِي (ع، ی، ن)»
۴۸. معنی عبارت: «روز یکشنبه به همراه خانواده خود به سفر رفتم، سفر ما سه روز طول کشید. در ساعت هفت صبح برگشتیم. پنج ساعت در راه بودیم. در ساعت ... از روز ... به خانه‌مان رسیدیم.» توضیح: «الثانية عشرة» مناسب جای خالی اول است، زیرا «الساعة» مؤنث است؛ (رد گزینه‌های ۱ و ۳)، و چون شروع سفر از روز «الأحد (یکشنبه)» بوده و سه روز هم طول کشیده، پس جواب جای خالی دوّم «الأربعاء (چهارشنبه)» می‌شود؛ (رد گزینه‌های ۱ و ۴)



۴۹. سؤال فعلی را می‌خواهد که نمی‌توان آن را به صورت مجهول خواند. فعلی که نمی‌توان آن را مجهول خواند، فعل معلوم است که فاعل و مفعول دارد. در (۲) «الأمّ» فاعل فعل «أرضعت» و «ولد» مفعول آن است، لذا این فعل معلوم است نه مجهول. ترجمه گزینه‌ها:

(۱) همه دانش‌آموزان از این خبر مهم باخبر شدند!

(۲) مادر مهربان به فرزندش شیر داد در حالی که بسیار کوچک بود!

(۳) قوانین شریعت در کتاب‌های آسمانی برای مردم فرستاده شد!

(۴) درهای مدرسه روز گذشته به سبب باران زیاد بسته شد.

۵۰. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که هم خبر از نوع اسم در آن آمده باشد و هم خبر جمله (فعل). در گزینه (۴) «الدّلفین» مبتدا و خبر آن «حیوان» است که به صورت اسم آمده است. همچنین ضمیر «هو» مبتدا و «یُحِبُّ» خبر آن است که به صورت جمله (فعل) آمده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دَوْر: مبتدا / أمْرٌ: خبر (از نوع اسم)

(۲) الدّلفین: مبتدا / عدوّة: خبر (از نوع اسم)

(۳) هذه: مبتدا / تُحَيِّرُ: خبر (از نوع جمله = فعل)

### رشته انسانی

۲۶. «إلی»: بسوی (رد ۳ و ۲) / «رسولاً (نکره)»: رسولی، پیامبری (رد ۳) / «عَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ»: فرعون از آن رسول (پیامبر) نافرمانی کرد (رد ۲ و ۴)؛ «عَصَى» فعل مثبت است و «فِرْعَوْنَ» فاعل و «الرَّسُولَ» مفعول آن است که جابه‌جا ترجمه شده‌اند.

۲۷. «لَا فِرْحَ (لا نفی جنس)»: هیچ جوجه‌ای نیست (رد سایر گزینه‌ها) / «يَتَعَلَّمُ»: یاد می‌گیرد، یاد بگیرد، می‌آموزد (رد ۲) / «أَنْ يَقْدَفَ (مضارع التزامی)»: که پرتاب کند، که پایین بیندازد (رد ۲) / «بِتَوَانَدٍ» در گزینه ۱ اضافی است.

۲۸. «الحيوانات الصحراوية»: حیوانات صحرائی (بیابانی) (رد ۳ و ۴) / «عند»: نزد («در» در ۲ و ۴ نادرست است). / «قد ساعدت (ماضی نقلی)»: کمک کرده است، یاری رسانده است (رد ۲ و ۴) / «في صُنْعٍ»: در ساختن، در ساختن («برای ایجاد» در ۴ نادرست است).

۲۹. «لیست»: نیست (رد ۱ و ۴) / «البناء»: ساختن، سازندگی، ساخت و ساز (رد ۴) / «لم يستطع»: نتوانست، نتوانسته است (رد ۱ و ۳) / «أَنْ يَدْرِكَ»: بشناسد، درک کند، بفهمد (رد ۳) / «ماذا»: چه چیزی (رد سایر گزینه‌ها) / «يَنْفَعُه»: به او سود می‌رساند (رد ۳) / «يُضَرُّ»: زیان می‌بخشد، ضرر می‌رساند، زیان می‌زند (رد ۳)

۳۰. «يجب علينا»: ما باید، بر ما لازم است که (در ۲ «علینا» ترجمه نشده است). / «أَنْ نَقْتَصِدَ (مضارع التزامی)»: صرفه‌جویی کنیم (رد ۲) / «حَتَّى لَا تُؤَاجِهَ (مضارع التزامی منفی)»: تا مواجه نشویم، تا روبرو نشویم (رد ۳ و ۴)

۳۱. «تبادل المفردات بين اللغات»: تبادل کلمات (واژگان) بین زبان‌ها (رد ۲ و ۳) / «يؤثّر»: اثر می‌گذارد، تأثیر می‌گذارد (رد ۱) / «تأثيراً» با توجه به فعل «يجعل» که بعدش آمده، مفعول مطلق نوعی است که در ترجمه آن از واژه‌هایی مانند «به طوری که، به گونه‌ای که» استفاده می‌شود (رد ۲ و ۳) / «بسیار» در ۱ اضافی است.

۳۲. «صديقتي المُجَدَّة»: دوست تلاشگرم، دوست تلاشگر من (رد ۳ و ۴) / «لَا تُسْجَلُ (مضارع معلوم)»: ثبت نمی‌کند، ثبت می‌کند (در حالت حصر) (رد ۲ و ۴) / «دفترها»: دفترش (رد ۴) / «چیزی» در ۳ و ۴ اضافی است.

۳۳. بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) «قد يذکر» یعنی «گاهی از... یاد می‌کند» [«قد» بر سر فعل مضارع به معنی «گاهی» است].

(۲) «لا يتردّد» معادل «مضارع اخباری منفی» است و به معنی «تردید نمی‌کند» می‌باشد. همچنین «تحتاج إليه» فعل مضارع است و به معنی «به آن نیاز دارد» می‌باشد.

(۳) «كانوا يُعاملون» معادل «ماضی استمراری» است و به معنی «با... رفتار می‌کردند» می‌باشد.

۳۴. در (۳) «الإقدام» اشتباه ترجمه شده است. «إقدام» مصدر باب «إفعال» است نه جمع «قَدَم» به معنی «پا». ترجمه صحیح: «پیروز شدن فقط به اقدام کردن نیاز ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است.»



۳۵. «ابر (مفرد): الغیم، السحاب (رد ۳) / «بخار متراکمی (نکره): بخار متراکم (رد سایر گزینه‌ها) / «باران (مفرد و معرفه): المطر (رد ۳) / «فرو می‌ریزد: ينزل (رد ۴ و ۱) / «ینزل» جمله وصفیه برای اسم نکره «بخار» است، لذا حرف «و» در ۴ قبل از «المطر» و «البخار» اضافی است.

ترجمه متن درک مطلب:

«بسیاری از تحقیقات تأکید دارند که انجام تمرینات ورزشی به شکل منظم تا حد زیادی بر بالا بردن توان مغز و افزایش فعالیت آن تأثیر می‌گذارد، چنان‌که بر سرعت بخشیدن بر رشد سلول‌های عصبی و ارتباط آنها با یکدیگر کمک می‌کند؛ که این امر سبب می‌شود که انسان بیشتر به آن اهمیت دهد، زیرا در ارتقاء و پیشرفت توانایی‌های ذهنی فرد و جلوگیری از نابودی و ضعف آن، بسیار مهم است. در این زمینه مغز به مواد غذایی برای محافظت از فعالیت و نیز رشدش نیاز دارد. مغز بیست درصد از مواد درون بدن را برای تغذیه سلول‌هایش به شکل روزانه مصرف می‌کند و از مهم‌ترین این مواد که به بهبود عملکرد مغز کمک می‌کند، میوه‌ها، سبزیجات و خوردنی‌های سرشار از امگا ۳ است، اما فراموش نکنیم که کلید ورود به این عرصه و توجه به این مسأله مهم، وجود فکری سالم و ذهنی دور از وسوسه‌های شیطانی است.»

۳۶. عوامل تأثیرگذار در افزایش توان مغز چیست؟ [گزینه] نادرست را مشخص کن:

- (۱) انجام ورزش‌های منظم در طول زندگی!
- (۲) خوردن غذاهای مفید و خوردنی‌های سرشار از امگا ۳!
- (۳) تلاش برای دست‌یافتن به فکری سالم که از هر چیزی در آن خیر است، بهره‌بردار!
- (۴) تلاش در پس‌افزایش توان جسمی با انجام تمرینات ورزشی!

۳۷. [گزینه] نادرست را مشخص کن: سرعت بخشیدن ارتباط سلول‌های عصبی...

- (۱) باعث می‌شود که سلول‌ها به وظایف خود به بهترین شکل بپردازند!
- (۲) سبب می‌شود که انسان به انجام فعالیت‌های ورزشی خود به طور منظم بپردازد!
- (۳) از فراموش کردن موضوعات و عدم قدرت بر تحلیل یا حل آنها جلوگیری می‌کند!
- (۴) از رخ دادن برخی مشکلات که انسان به آن در اواخر عمرش دچار می‌شود، جلوگیری می‌کند!

۳۸. [گزینه] درست را مشخص کن: مغز نخواهد توانست که به نحو شایسته به کارش بپردازد مگر اینکه مصرف کند...

- (۱) یک پنجم خوراکی‌هایی که انسان آن را در طول ۲۴ ساعت می‌خورد!
- (۲) بیست درصد از میوه‌ها و محتویات امگا ۳ آنها را و هیچ فایده‌ای در غیر از این دو مورد نیست!
- (۳) بیست درصد از هر ماده غذایی که انسان از آن استفاده می‌کند!
- (۴) یک پنجم از مواد درون بدن را به صورت ماهیانه!

۳۹. عنوان غیر مناسب برای متن را مشخص کن:

- (۱) عقل سالم در بدن سالم!
- (۲) کلیدهای زندگی متعادل!
- (۳) اثر فعالیت در بازگردانی فراموشی!
- (۴) اثر ورزش در تقویت مغز!

۴۰. خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۱) (من باب تفعّل) ⇐ (من باب تفعیل) (۳) مجهول ⇐ معلوم (۴) للمفرد المذکر المخاطب ⇐ للمفرد المؤنث الغائب

۴۱. خطاهای سایر گزینه‌ها:

لازم ⇐ متعَدُّ [آمدن] «لازم» و «مفعول» با هم در یک گزینه اشتباه است؛ زیرا هر فعلی که مفعول داشته باشد «متعَدی» است. مجهول ⇐ معلوم / مع نائب فاعل ⇐ مع فاعله [«یستهلك» از حرکت فتحه ابتدای آن واضح است که معلوم است و دارای «فاعل» می‌باشد.]

حروفه الأصلية «س ل ك» ⇐ حروفه الأصلية «ه ل ك»

۴۲. خطاهای سایر گزینه‌ها:

اسم مفعول ⇐ مصدر من باب «مفاعلة» [«مُمازسة» مصدر باب «مفاعلة» است و اسم مفعول نیست.]

اسم فاعل ⇐ مصدر من باب «مفاعلة» مبني ⇐ معرب



۴۳. ﴿۴۳﴾ - الْمُؤَدَّبُونَ ﴿۴۳﴾ - الْمُحْتَرَمُونَ ﴿۴۳﴾ - الْمُحْتَرَمُونَ ﴿۴۳﴾

هر دو اسم مفعول هستند که حرکت عین الفعل آنها باید فتحه «ے» باشد.

۴۴. ﴿۴۴﴾ [گزینة] نادرست درباره «اللُّوحَةُ: تابلو» را مشخص کن:

(۱) درس‌ها را روی آن تمرین می‌کنیم!

(۲) آن را فقط بزرگ و با رنگ‌های مختلف می‌یابیم!

(۳) آن را روی آن علائم راهنمایی و رانندگی و تصاویر زیبا رسم می‌کنیم.

(۴) در (۴) آمده است که «إِسْرَاءُ: حرکت فرد در روز و شب به جایی.» که نادرست است، زیرا «إِسْرَاءُ» تنها حرکت در شب است نه روز.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «اسیران: همان کسانی هستند که در جنگ مغلوب می‌شوند و دشمن آن‌ها را می‌گیرد.» [«الأسرى» جمع مکسر «أسیر» است.]

(۲) «خانواده: اعضای یک خانه که با هم مثل خانواده زندگی می‌کنند.»

(۳) «تخت‌ها: از وسایلی هستند که برای خواب به کار گرفته می‌شوند، مانند رختخواب.» [«الأسرة» جمع مکسر «سَریر» است.]

۴۶. ﴿۴۶﴾ حروف اصلی (ریشه) فعل «یتنقل» در (۴) عبارت است از «ن ق ل» است که حرف «ن» جزء حروف اصلی آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ینکسر ﴿ک س ر / نبتعد﴾ ب ع د (۲) ینطلق ﴿ط ل ق (۳) تنقطع ﴿ق ط ع

۴۷. ﴿۴۷﴾ سؤال اسم فاعلی را می‌خواهد که محلّ اعرابی (نقش) آن «خبر» باشد. «قادرون» در (۳) که اسم فاعل است، نقش

خبر برای «التّلامیذ (مبتدا)» را دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «المثمرة» اسم فاعل است که نقش آن «صفت» برای «الأشجار» است.

(۲) «المشاکل (المشکل)» و «المتوکّل» هر دو اسم فاعل هستند و محلّ اعرابی آنها به ترتیب «اسم إنّ» و «صفت» می‌باشد.

(۴) «المُسافرین» و «داخل» هر دو اسم فاعل هستند و محلّ اعرابی هر دو «مجرور به حرف جرّ» می‌باشد.

۴۸. ﴿۴۸﴾ در (۱) فعل «تؤمنی» از ریشه «أمن» است، پس حرف «ن» از حروف اصلی (ریشه) آن است و نون وقایه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) مُنَعْنی: مَنَعٌ + نون وقایه + ضمیر «ی»

(۳) أَعَانَنی: أَعَانَتْ + نون وقایه + ضمیر «ی»

(۴) أَعْطَانی: أَعْطَى + نون وقایه + ضمیر «ی»

۴۹. ﴿۴۹﴾ سؤال فعلی را می‌خواهد که از نظر معنی مجهول باشد. فعل «یترك» در (۲) با توجه به معنی جمله «اجازه نده که

احترام به فقیران به خاطر فقر آنها ترک شود.» مجهول است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

(۱) می‌خواهم که دوستت را باخبر کنی که لحظه دیدار نزدیک است.

(۲) چگونه امکان دارد که گرمی نداریم کسی را که همیشه چهره‌اش را برایمان می‌گشاید.

(۴) معلمم را با اطاعت کردن از او گرمی می‌دارم و او آنچه از دانش دارد به من می‌بخشد.

۵۰. ﴿۵۰﴾ در (۴) «فاشلین» خبر «لسنا» و منصوب، و «ساعون» خبر «لأنّ» و مرفوع است و هر دو صحیح هستند.

بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) «نجاة» نادرست است، چرا که اسم «إنّ» است و باید منصوب (نجاة) باشد. [«راغبین» خبر منصوب «کنا» است و صحیح می‌باشد.]

(۲) «سامعات» نادرست است، چرا که خبر «کنا» است و باید منصوب (سامعات) باشد. [«متکاسلات» خبر «نکون» است و صحیح می‌باشد.]

(۳) «مکرّم» نادرست است و باید «مکرّمًا» باشد، چرا که خبر «کان» است و باید منصوب باشد.



رشته هنر

۲۶. استغفر: آموزش بخواه (رد گزینه ۳) / لذنبک: برای گناهت (رد گزینه ۲ و ۴) / بررسی برخی گزینه ها:
- ۳) (استغفر لذنبک) جمله ای امر است. در ترجمه کلمه (الله) دوبار تکرار شده است که نادرست است.
- ۴) کلمه (الله) به اشتباه خدای تو ترجمه شده است.
۲۷. واجهوا: روبه رو شدند/ شده اند (رد گزینه ۳) / نهضوا: برخاستند / برخاسته اند (رد گزینه ۳) / استمروا: ادامه داده اند (رد سایر گزینه ها)
۲۸. أن یکون لیدیک: داشته باشی (رد سایر گزینه ها) // أصدقاء کثیرون: دوستان بسیاری - ترکیب وصفی است و ضمیر ندارد (رد سایر گزینه ها) / لتُصبح ذا شخصیه معروفه: تا دارای شخصیتی معروف شوی (رد گزینه ۱ و ۲)
۲۹. لا يُصاب: مضارع است (رد گزینه ۱) / أمر: مفرد است (رد گزینه ۲) / بررسی برخی گزینه ها:
- ۲) با توجه به مثبت بودن جمله در قسمت اول باید از کلمه (فقط) استفاده کند.
- ۴) (هیچگاه) در قسمت اول اضافی است.
۳۰. ما أجمل: چه زیباست (رد گزینه ۲ و ۴) / نهاییه أحزانیک الماضیه: پایان غم های گذشته ات (رد گزینه ۲ و ۳) / لتبدأ: تا شروع کنی (رد گزینه ۳ و ۴)
۳۱. إن: اگر (رد گزینه ۱ و ۳) / بناء البیوت: ساختن خانه ها - بدون ضمیر است (رد گزینه ۱ و ۴) / بسهوله: به آسانی (رد سایر گزینه ها)
- در گزینه ۱ و ۴ (لنا) ترجمه نشده است.
۳۲. کل لغه: هر زبانی - نکره است (رد سایر گزینه ها) // قد أصبحت: شده اند (رد سایر گزینه ها)
- (کلمات) در سایر گزینه ها ترجمه نشده است.
۳۳. إنما (فقط - تنها) در این گزینه ترجمه نشده است.
۳۴. الجهلُ مصیبهٌ، الجهلُ مصیبتی است - نباید به صورت ترکیب اضافی ترجمه شود / لن نتخلَّص: رهایی نخواهیم یافت. - ترجمه صحیح: جهل مصیبتی است که فقط با علم از آن رها خواهیم شد.
۳۵. چیزی: شیء - نکره است (رد گزینه ۱ و ۲) / سنگین تر: أثقل - اسم تفضیل است (رد گزینه ۲ و ۳) // خوی نیکو: الخلق الحسن (رد سایر گزینه ها)
- ترجمه درک مطلب:
- وقتی شخصی دوستان خود را انتخاب میکند پس باید از حوادث زندگی خود استفاده کند و از آنها تجربه هایی را کسب کند. و این کار باعث میشود که در مورد اشتباهاتی که مرتکب شده و به تلاش هایی که برای خروج از آنها انجام داده است فکر کند. پس انسان عاقل از آنها درس هایی میگرد که مانع از برقراری دوستی با کسانی میشود که در آنچه ادعا میکنند پاک و صادق نیستند.
- و انسان باید بداند که بسیاری از دوستان مختلف در زمان آسودگی خوشبختی و شادی ساده به دست می آیند. این ویژگی ها برقراری روابط را راحت میکنند اما آنها دوستان واقعی را که بتوان به آنها اعتماد کرد به ما نمیشناسانند. پس کسانی که در هنگام مشکلات کنار دوستان خود هستند همان کسانی هستند که ما آنها را وفادار محسوب میکنیم و میتوانیم آنها را شریک زندگی خود گردانیم.



۳۶. یکی از راه‌هایی که بیشترین اهمیت را در زمینه کشف دوستان حقیقی دارد.....  
ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) گذشته را عبرتی برای آینده قرار دهیم.  
(۲) آزمایش درست از غلط را به ما نمیشناساند.  
(۳) دوستی را در ایام خوشی و راحتی اختیار نکنیم.  
(۴) دوستان باوفا همراه انسان در سختی‌ها نمی‌مانند.

۳۷. چه چیزی ما را از گرفتن دوستان بد دور می‌کند؟  
ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) تلاش در آنچه مردم به آن می‌پردازند و پیگیری آن در زندگی مان  
(۲) علم به اینکه حوادث تکرار میشوند پس عاقل کسی است که غافلانه از آنها نمی‌گذرد.  
(۳) تحلیل گذشته و دقت در آنچه در زمینه دوستی انجام دادیم تا خطاهایمان را تکرار نکنیم.  
(۴) اعتقاد به اینکه در زندگی دروسی وجود دارد و ما باید در کارهایمان از آنها نوری یا چراغی بگیریم.  
۳۸. عنوان مناسب برای متن را مشخص کن.

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) ادب دوست بهتر از طلایش است.  
(۲) عاقل دوبار از یک کار زیان نمی‌بیند.  
(۳) دوست همان کلید برای هر در قفل شده‌ای است.  
(۴) سینه‌های دوستان مخزن اسرار است.

۳۹. مناسب‌ترین برحسب متن را مشخص کن.

ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) انسان آینه برادرش است.  
(۲) دوستان هنگام نیاز شناخته می‌شوند.  
(۳) همانا پرندگان به صورت‌های خودشان پرواز می‌کنند.  
(۴) دوستی برای ما و همه نعمت‌های بهشت برای شما.

۴۰. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) از باب افتعال است نه انفعال  
(۳) هر فعلی ۳ حرف اصلی دارد. (حرفان اصلیان) نادرست است.  
(۴) (تجارب) مفعول است نه فاعل

۴۱. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) از باب تفعیل است و (ف ک ر) حروف اصلی و تشدید(ک) حرف زاید است.  
(۲) معلوم است.

(۳) مصدرش (تفکیر) از باب (تفعیل) است.

۴۲. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) قبل از آن اسمی نیامده است که مضاف الیه شود.  
(۲) به خاطر داشتن (ال) معرفه است.  
(۴) (الاعتماد) در جمله فاعل است نه مفعول

۴۳.

فعل (يَتَعَايَشُوا) از باب تفاعل است و به صورت (يَتَعَايَشُوا) درست است.

۴۴. دانش آموز خانه را ترک می‌کند و بعد از خوردن ناهار به مدرسه می‌رود. دانش آموز بعد از ظهر/ عصر درس می‌خواند.

۴۵. ترجمه گزینه‌ها:

- (۱) آن وسیله‌ای است که به کشاورزان می‌کند.  
(۲) از آن در کارهای کشاورزی استفاده می‌شود.  
(۳) معمولاً در مزارع استفاده می‌شود.  
(۴) خودش را بر روی زمین‌های کشاورزی میکشد.



۴۶. بررسی گزینه ها:

۱ و ۲) اهدی: هدایت کننده تر

۴) اهدی: هدایت کننده ترین

۴۷. بررسی گزینه ها:

۱) ألا یقتربوا: تا نزدیک نشوند.

۲) أن یکونوا: که باشید / حتی لا تیاأسوا: تا ناامید نباشید.

۳) (لا تقربوا) فعل نهی مخاطب است که به صورت مضارع التزامی ترجمه نمیشود.

۴) ليتعلموا: تا یاد بگیرند.

۴۸. بررسی گزینه ها:

۱) تُحسِنی: نون جز ریشه فعل است. (حسن)

۲) تُبْنی: نون جز ریشه فعل است. (بنی)

۳) یُرشدنی: برشد+نون وقایه+ضمیر(ی)

۴) تُومنی: نون جز ریشه فعل است. (أمن)

۴۹. در تیم ما ۱۱ بازیکن بودند. بازی ما به مدت ۲ ساعت طول کشید. ۲۰ دقیقه از بازی گذشت و ۲ بازیکن مصدوم شدند. ۹ بازیکن بازی را به مدت ۱ ساعت و ۴۰ دقیقه بع آخر بازی رساندند.

۵۰. بررسی گزینه ها:

۱) ترسبوا: جواب شرط فعل است.

۲) تُعیر: جواب شرط فعل است.

۳) أتکلم: جواب شرط فعل است.

۴) فهو قليل الأدب: جواب شرط به صورت جمله اسمیه آمده است.

### رشته زبان

۲۶. «أَنْزَلَ: نازل کرد، فرو فرستاد» / «مِنَ السَّمَاءِ: از آسمان» / «مَاءٌ: آبی ← «مَاءٌ، نکره است» (رد گزینه های ۱ و ۲) / «فَ: پس، لذا» (تنها در گزینه ۴، به صورت دقیق ترجمه شده و حرف «و»، در سایر گزینه ها نادرست است) / «أَخْرَجَ (فعل ماضی): خارج ساخت، بیرون آورد» («قرار داد» و «بیرون آمد» در گزینه های ۱ و ۲ نادرست هستند) / «به: به وسیله آن ، با آن» (رد گزینه های ۱ و ۲) / «مِنَ الثَّمَرَاتِ: از میوه ها، از ثمره ها» (رد گزینه ۳) / «رَزَقًا (نکره): رزقی» («رزق» در گزینه ۳ نادرست است. نقش (محل اعرابی) «رَزَقًا» مفعول (مفعول به) است که در گزینه ۲ به صورت «فاعل» ترجمه شده و نادرست می باشد. / «لِکَم: برای شما» (عربی، زبان قرآن ۱، درس ۴، ترجمه)

۲۷. «لَا تَعْشِ (فعل نهی): زندگی مکن» / «فِي الْمَاضِي: در گذشته» (رد گزینه ۲) / «و ما: و آنچه، و چیزی» (رد گزینه ۲) / «وَقَعَ (فعل ماضی): رخ داده است، روی داد» («رخ داده بود» در گزینه ۲ و «واقع می شود» در گزینه ۴، نادرست هستند) / «فِيهِ: در آن» (در آن ها، در گزینه ۲ نادرست است) / «حَتَّى لَا يُضَيِّعَ (مجهول): تا ضایع نشود، تا تباه نگردد» (رد گزینه های ۳ و ۴) / «مُسْتَقْبَلِك: آینده ات» (عربی، زبان قرآن ۱، ترکیبی، ترجمه)

۲۸. «هناك لا إنسان بدون خطأ: هیچ انسانی بدون خطا (اشتباه) وجود ندارد» (رد سایر گزینه ها ← «إنسان» اسم لای نفی جنس است و باید به صورت نکره و همراه لفظ «هیچ» ترجمه شود: «هیچ انسانی» / «ولکنه: ولی، اما» / «یفشل (مضارع): می بازد، شکست می خورد (شکست خواهد خورد در گزینه ۱، نادرست است) / «عندما: هنگامی که، زمانی که» (رد گزینه ۲ و ۴) / «بعْدَ: به شمار آورد، حساب کند» («فرض کند» در گزینه ۲) نادرست است) / «عالمًا یعرف: عالمی (دانشمندی) که می داند» (رد گزینه های ۱، ۲ و ۴) / «کُلُّ شئ: هر چیزی، همه چیز» («بر» در گزینه ۴ اضافی است) (عربی، زبان قرآن ۲ و ۳، ترکیبی، ترجمه)





۲۹. «کان ... یُمضی: می‌گذرانند، سپری می‌کرد» (رد گزینه ۱ و ۴) / «أوقاته مفعول: اوقات خود را، اوقاتش» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «بالمطالعة: به مطالعه» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «لا یبتعد عن ...: از ... دور نمی‌شد» به دلیل وجود «کان» در اول جمله باید صورت ماضی ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «الظروف القاسية: شرایط سخت» (رد گزینه ۴) (عربی، زبان قرآن ۲، ترجمه)

۳۰. «کاد ... یبدأ (ماضی مستمر): داشت شروع می‌کرد» (رد سایر گزینه‌ها) / «إذ دَخَلَ: که ناگهان وارد شد» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أحد الطلاب: یکی از دانش‌آموزان» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «و هو حَجَلٌ (حال جمله): و در حالی که شرمنده بود (رد سایر گزینه‌ها) (عربی، زبان قرآن ۲ و ۳، ترکیبی، ترجمه)

۳۱. «قزرتُ (ماضی صیغة متکلم وحده): قرار گذاشتم» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «مع أختی الصغری: با خواهر کوچک ترم» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «إلی المُنْتَحَف: به موزه» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أن نذهب (مضارع التزامی): که برویم» (تنها در گزینه ۴ به صورت دقیق ترجمه شده است) / «لمشاهدة الآثار التاريخية: برای دیدن آثار تاریخی (باستانی)» (عربی، زبان قرآن ۱ و ۲، ترکیبی، ترجمه)

۳۲. «عامل (فعل امر): رفتار کن» (رد سایر گزینه‌ها) / «تُحب: دوست داری، دوست می‌داری» (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أن یُعاملوک: که با تو رفتار کنند» (رد سایر گزینه‌ها) / «لا تُکن (فعل نهی): مباش» (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «ذا وجهین: دارای دو چهره، دورو» (رد گزینه ۳) (عربی، زبان قرآن ۳، ترجمه)

۳۳. بررسی گزینه‌های نادرست:  
گزینه (۱): «ترجمة صحيح «ما برای پیشرفت خود به تجربه‌های بازنشستگان نیاز داریم.» / «تجارب: تجربه‌ها» / «لِتَقْدَمنا: برای پیشرفت ما»

گزینه (۲): «يُسَجَّع فعال مضارع مجهول است و «يُسَجَّع الالاعبون» به معنی «بازیکنان تشویق می‌شوند» می‌باشد.  
گزینه (۴): «أعمال» ترجمه نشده است. ترجمه صحيح «فلا أمن لهو لا راحة له» چنین است: «هیچ امنیت و آسایشی ندارد»

۳۴. بررسی گزینه‌های نادرست:  
گزینه (۱): «كلامه: سخن او، سخنش» / «حسام: شمشیری، یک شمشیر» / ترجمه صحيح: «بهترین سلاح انسان، سخن اوست و آن همچون شمشیری است.»

گزینه (۲): «لا تقدر» و «أن تدیر» ترجمه نشده‌اند. «حرکت می‌کند» اضافی است. ترجمه صحيح عبارت: «و هی لا تقدر أن تُدیر إلا رأسها (اسلوب حصر): و او نمی‌تواند سرش را بچرخاند / او تنها (فقط) سرش را می‌تواند بچرخاند.»  
گزینه (۴): «طَلَب من الطلاب (ماضی مجهول)» یعنی «از دانش‌آموزان خواسته شد» / «أن یأتو بوالدیهم: والدین خود را بیاورند» («أتی + ب...» به معنی «آورد» می‌باشد.)

۳۵. «امروز»: الیوم، هذا الیوم (رد گزینه ۱) / «کتابی (نکره): کتاباً» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «که قبلاً آن را دیده بود (جمله وصفیه): قد رایته من قبل (رد گزینه‌های ۱ و ۳): در گزینه «۴» حرف «و» نیز قبل فعل «رایته» اضافی است.)  
نکته: «فعل ماضی ... + اسم نکره + فعل ماضی»: فعل ماضی دوم هم می‌تواند به صورت «ماضی ساده» و هم «ماضی بعید» ترجمه شود و هر دو صحیح است.

ترجمه درک مطلب: «علم در انسان به امور مختلفی زندگی می‌بخشد، از جمله احساس اعتماد به نفس، لذا هر کس در زندگی آن (علم) را به عنوان رفیق راهش بگیرد، متوجه می‌شود که نمی‌تواند از آن چه پیرامونش می‌گذرد غافل زندگی کند، بلکه برای دستیابی به هدفی که برای خود ترسیم می‌کند، تلاش می‌کند. باید به زندگی دانشمندان در تاریخ نگاه کنیم، آن‌ها نتوانسته‌اند که تنها برای خویش زندگی کنند، چرا که آن‌ها هدفی بزرگ‌تر را در زندگی درک کرده‌اند و کوشیده‌اند



که به آن برسند و همچنین به فرا خواندن و دعوت دیگران نیز به آن (هدف زندگی) پرداخته‌اند. بی‌گمان علم، حصارى را می‌سازد که هر کس آن را انتخاب کند وی را از افتادن در اشتباهات محافظت می‌کند و از مرتکب شدن به خطاها و پیروی غلط باز می‌دارد؛ ولی هیئات از اعتماد بر علم، بیشتر از توان آن! بی‌گمان علم راه‌های پیشرفت را برای جامعه مهیا می‌کند و پیشرفت گسترده‌ای را که آینده‌ای درخشان را تضمین می‌کند، برای آن (جامعه) محقق می‌سازد، ولی در این کار، مهم این است که علم به تنهایی این هدف‌های زیبا را محقق نمی‌سازد، بلکه همراه و رفیق دیگری نیز نیاز دارد و آن «ایمان» است.

۳۶. ترجمه صورت سؤال: «چرا غفلت ملازم و همراه دانشمند نمی‌شود؟ زیرا...»

جواب در گزینه «۴»، آمده است که «گرفتن (انتخاب) هدف زندگی، وی را از آن باز می‌دارد.» صحیح می‌باشد. (درک مطلب، ترکیبی)

بررسی سبایز گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «رفیق دیگرش که عبارت است که از ایمان، او را از این کار باز می‌دارد.»

گزینه «۲»: «پیشرفت و آینده درخشان، اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.»

گزینه «۳»: «اعتماد به نفس علت منع چنین کاری است.»

۳۷. در گزینه «۲» آمده است که «از جمله خطرناک‌ترین کارها، تحمیل (غلبه) علم بر بیشتر از توانش می‌باشد.» که صحیح است. (درک مطلب، ترکیبی)

بررسی سبایز گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «کلید پیشرفت واقعی همان کسب کردن علم به تنهایی است.» (اشتباه است چرا که «علم» باید همراه «ایمان» باشد.)

گزینه «۲»: «تنها هدفی که دانشمندان آن را ترسیم می‌کنند همان اعتماد به نفس است.»

گزینه «۴»: «علم، بدون یاورى (کمکی) دیگر از بسیاری از اشتباهات و لغزش‌ها (انسان) را محافظت می‌کند.»

۳۸. ترجمه صورت سؤال: «با چه چیزی به آینده‌ای درخشان برای فرزندانمان دست می‌یابیم؟» گزینه نادرست را مشخص کن؛ با عملی که ... (درک مطلب، ترکیبی)

در گزینه «۳» آمده است که «چیز دیگری وی را همراهی نمی‌کند و آن تنها ضامن پیشرفت است.» که نادرست است چرا که علم به تنهایی نمی‌تواند پیشرفت را ضمانت کند و باید همراه «ایمان» باشد.

بررسی سبایز گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «اخلاقی را که رفتارهای بد را از آن‌ها دور می‌سازد در آن‌ها (فرزندان) افزایش دهد.»

گزینه «۲»: «به آن‌ها (فرزندان) در گرفتن هدف‌های بلند در زندگی کمک کند.»

گزینه «۴»: «برای پرواز و به دست آوردن به بالی دیگر نیاز دارد و آن ایمان است.»

۳۹. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» به این مطلب اشاره شد که علم به تنهایی کافی نیست و باید همراه چیز دیگری (خرد، راستی و درستی، عدل و داد و...) باشد؛ تا بتواند نتیجه‌بخش و مفید باشد، اما در گزینه «۳» می‌گوید که علم به تنهای

برای به راه آوردن انسان کافی است که این گزینه نادرست می‌باشد. (درک مطلب، ترکیبی)

۴۰. (تجزیه و ترکیب فعل، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «فاعله «ها» نادرست است. («ها» مفعول (مفعول به) است.)

گزینه «۲»: «حرف واحد زائد (ثلاثی مزید) نادرست است. («یرسم» ثلاثی مجرد است و حرف زائد ندارد.)

گزینه «۴»: «مجهول» نادرست است.



۴۱. مصدر «حفظ» نادرست است چراکه «يحافظ» از مصدر «حافظ» است. (تجزیه و ترکیب فعل، ترکیبی) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مصدره «حفظ» نادرست است، چرا که «يُحافظ» از باب مفاعله است.

گزینه «۳»: «مجهول» نادرست است، چرا که «يحافظ»: محافظت می‌کند» معلوم می‌باشد.

گزینه «۴»: «له حرفان زائدان» نادرست است. (باب «مفاعله» یک حرف زائد دارد).

۴۲. (تجزیه و ترکیب فعل، ترکیبی) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «موضوفه يحقق» نادرست است. (فعل نمی‌تواند موصوف واقع شود و صفت بگیرد.)

گزینه «۳»: «معرفة» نادرست است. («شاملاً» از تنوین آن مشخص است که نکره است.)

گزینه «۴»: «مأخوذ من فعل «شامل» علی وزن «فاعل»» نادرست است. («شاملاً» اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرد است.)

۴۳. در گزینه «۱»، ضبط حرکات حروف «عالم» نادرست است و صحیح آن «عالم»: دانشمند، دانا» می‌باشد. ترجمه: «دانشمندی که با علمش سود رسانده می‌شود، از هزار عبادت‌کننده بهتر است.» (ضبط حرکات، ترکیبی). حرکت گذاری «عابد» هم اشتباه است و به جای فتحه باید کسره داشته باشد.

۴۴. در گزینه «۳» آمده است که «گردشگر: کسی است که مردم را برای دیدن آثار تاریخی خوشحال می‌کند.» که نادرست است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «پاها: انسان به وسیله آن‌ها راه می‌رود.»

گزینه «۲»: «تماشاگر: کسی که بازیکن را در مسابقه تشویق می‌کند.»

گزینه «۴»: «چراغدان: شیشه‌ای که در آن چراغی است که نور از داخل آن پخش می‌شود.»

۴۵. معنی عبارت: «روزهای هفته، هفت روز است و روز وسط آن‌ها روز سه‌شنبه است.»

دقت: «سابعه» عدد ترتیبی است و برای تکمیل جای خالی نادرست است.

۴۶. در گزینه «۳»، «أحسن» اولی فعل ماضی باب «إفعال» و «أحسن» دومی نیز فعل امر باب «إفعال» است و اسم تفضیل نیستند. ترجمه: «هر کس به تو نیکی کرد، تو نیز به او نیکی کن و این کار پسندیده است.» (قواعد اسم تفضیل، عربی، زبان قرآن ۲، درس ۱) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أبلغ» اسم تفضیل می‌باشد. ترجمه: «سکوت رساترین سخن در برابر نادان است.»

گزینه «۲»: «أعظم» اسم تفضیل می‌باشد. ترجمه: «این سوره، بزرگ‌ترین سوره‌ها در قرآن کریم است.»

گزینه «۴»: «الأکبر» و «الأخرین» هر دو اسم تفضیل هستند. ترجمه: «بزرگ‌ترین بی‌نیازی؛ ناامیدی از هر آنچه در دست‌های دیگران است، می‌باشد.»

۴۷. در گزینه «۴»، فعل «أُنقِذَنِي (أُنقِذَ + ن + ی)» دارای نون وقایه است و به معنی «مرا نجات داد» می‌باشد. (قواعد نون وقایه، عربی، زبان قرآن ۱، درس ۸)

بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» نون وقایه وجود ندارد و حرف «ن» جزء ریشه فعل است.

۴۸. در این سؤال باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که نقش (محل اعرابی) کلمه «ما» مضاف الیه باشد.

در گزینه «۱»، «أعظم» مضاف (مبتدا) و «ما» مضاف الیه آن است. (قواعد «ما» ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: نقش (محل اعرابی) «ما»، «مفعول به» است.

گزینه «۳»: هر دو «ما»، نقش (محل اعرابی) «خبر» دارند و «العلم» و «العقل» هر دو «مبتدا» هستند.

گزینه «۴»: نقش (محل اعرابی) «ما»، «مفعول به» است.



۴۹. ۴۲. گزینه «۴»: «ما» در گزینه «۴» ادات شرط و «تطلب» فعل شرط و جمله اسمیه «فانک تری ...» جواب شرط است.

ترجمه: «هر چه از خیر و خوبی برای دیگران بخواهی، بی گمان نتیجه آن را می بینی.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ما» در این گزینه حرف نفی است. «ما فعلتُ: انجام ندادم»

گزینه «۲»: «ما» در این گزینه، اسم موصول است و به معنای «چیزی را که، آن چه را که» می باشد.

گزینه «۳»: «ما» در این گزینه اسم استفهام (پرسشی) است و به معنای «چه چیزی؟» می باشد.

۵۰. ۴۲. جواب سؤال، گزینه‌ای است که در آن حرف مشبّهه بالفعل از نظر معنی با سایر گزینه‌ها متفاوت باشد. در گزینه

«۲» حرف مشبّهه بالفعل «ان» چون بعد از «ا» آمده و در اول جمله‌ای جدید قرار گرفته، به معنای «همانا، قطعاً» بی گمان

و ... می باشد و برای تأکید جمله پس از خود آمده است اما در سایر گزینه‌ها «ان» در وسط جمله‌ها آمده است و دو جمله

را به هم مرتبط کرده و برای ربط و کامل کردن دو جمله آمده است.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «در تاریخ آمده است که ابراهیم، قوم خود را از پرستش بت‌ها نجات داد.»

گزینه «۲»: «ای انسان بر آن چه از دست داده‌ای غمگین نباش، قطعاً ناامیدی تو را از خدا دور می سازد.»

گزینه «۳»: «آیا انسان گمان می کند که خداوند او را بیهوده و تنها رها می کند؟»

گزینه «۴»: «ای معبود و ای پروردگار ما؛ ما می دانیم که تو همواره همراه بندگانت هستی.»

### خارج از کشور

۲۶. ۲۲. «اللّه ولیّ الذّین»: خداوند ولی کسانی است که (رد سایر گزینه‌ها) / «أمنوا (ماضی)»: ایمان آورده اند، ایمان آوردند

(رد ۱ و ۴) / حرف «و» در ۱، ۳ و ۴ اضافی است. / «یُخْرجهم»: آنان را خارج می سازد، بیرون می آورد (رد ۱ و ۳) / «می روند»

و «می برند» در ۳ معادلی در عبارت عربی ندارند و اضافی هستند. / «الطّلمات (جمع)»: تاریکیها (رد سایر گزینه‌ها)

۲۷. ۴۲. «الجمال»: زیبایی (رد ۱ و ۳) / «أن تزرع»: که بکاری (رد ۱ و ۳) / «بستان (نکره)»: یک بوستان، بوستانی (رد ۱ و ۳)

/ «منه» در ۲ ترجمه نشده است. / «أن تفرس»: بکاری (رد ۱ و ۲) / «الصدق»: راستی، صداقت (رد ۲) / «إنسان (نکره)»:

انسانی، یک انسان (رد ۱ و ۲)

۲۸. ۴۱. «هؤلاء الأصدقاء الأوفياء»: این دوستان باوفا (رد ۳ و ۴: اگر بعد از اسم‌های اشاره، اسم «ال» دار بیاید، آن اسم اشاره

مفرد ترجمه می شود.) / «که» در ۳ و ۴ اضافی است. / «قد عودوا»: عادت داده اند (رد ۱ و ۳) / «أنفسهم (مفعول)»: خود

(خویش) را، خودشان را (رد ۲ و ۴) / «الصّراحة في الكلام»: صراحت در سخن (رد سایر گزینه‌ها)

۲۹. ۳۲. «يُقبل ... علی... إقبالاً»: به یقین (قطعاً) به ... روی می آورند (رد سایر گزینه‌ها؛ «می پذیرند» معادل «يُقبل» است نه

«يُقبل علی»، هم چنین «إقبالاً» مفعول مطلق تأکیدی است که با قیدهایی «به یقین، قطعاً، بی شک، ...» ترجمه می شود.)

/ «له أفکارٌ عميقةٌ وحديثَةٌ (جمع و نکره)»: افکار عمیق و جدیدی دارد، افکاری ژرف و جدید دارد (رد ۱ و ۲) / «یرغبون

فی... رغبةً کثیرةً (مفعول مطلق نوعی)»: بسیار علاقمند می شوند (رد ۱ و ۲) / «یعمل»: عمل کند، عمل می کند (رد ۱ و ۲)

/ «بما»: به آنچه (رد ۲)

۳۰. ۴۲. «هُنَاک»: وجود دارند (رد سایر گزینه‌ها؛ «هُنَاک» در ابتدای جمله به معنی «وجود دارد (هست)» می باشد به معنی

«آنجا» نیست.) / «تبني»: می سازند (رد ۲) / «أعشاشها»: لانه‌های خود را، لانه‌هایشان را، آشیانه‌هایشان را (رد ۲) / «جبال

(نکره)»: کوه‌هایی (رد ۱) / «ارتفاعها»: ارتفاع آنها، ارتفاعشان (رد ۱ و ۲) / «تقدف»: می اندازد، پرتاب می کند (رد ۱ و ۲) /

«أفراخها»: جوجه‌هایشان را، جوجه‌های خود را (رد ۱)



۳۱. «أقرب شخص»: نزدیک‌ترین فرد (رد ۱ و ۲؛ «أقرب» اسم تفضیل است و چون مضاف است به صورت «ترین» ترجمه می‌شود.) / «لی»: به من (رد ۲) / «وإن كان بعيداً»: اگرچه... دور باشد (رد سایر گزینه‌ها) / «مئی»: از من (رد ۲)
۳۲. «فترتٌ (متکلمٌ وحده)»: قرار گذاشتم (رد ۳ و ۲) / «مع»: با (رد ۲) / «أخي الصغیر»: برادر کوچکم (رد ۳ و ۲؛ «الصغیر» اسم تفضیل نیست.) / «صبح» در ۴ اضافی است. / «آثار المتحف التاریخیة (ترکیب وصفی اضافی)»: آثار تاریخی موزه (رد سایر گزینه‌ها)
۳۳. در (۴) «سبیل» معرفه است نه نکره و «کسب» و «رضاک» اسم هستند نه فعل که اشتباه ترجمه شده‌اند. ترجمه صحیح: «خدایا به ما آنچه را دوست داری عطا کن و آن را در راه کسب خشنودیت قرار بده.»
۳۴. ترجمه صحیح قسمت «فکلمهم علی ذلک القدر» در (۳) به صورت «پس با آنان به آن اندازه سخن بگو» می‌باشد. [«کلمٌ» فعل امر است.]
۳۵. «تا شناخته گردید (مجهول)»: «تُعرفوا (رد سایر گزینه‌ها) / «کلٌ» در ۳ و ۴ اضافی است. / «زیر»: تحت (رد سایر گزینه‌ها) / در ۴ فعل «تُعرفنَ» با «تکلموا» از نظر صیغه مطابقت ندارد و اشتباه است. ترجمه متن درک مطلب:
- «بسیاری از افراد در این زندگی به طور نامنظم زندگی می‌کنند. آنان به اوقات فراغتی که بسیار آن را در زندگی خود بدون فایده می‌گذرانند، اهمیت نمی‌دهند و این نتیجه ناآگاهی آنان در مورد چگونگی اداره زندگی و ساماندهی به آن است؛ به عنوان مثال اینان موقعیت‌های را پشت سر می‌گذارند که وقت‌های زیادی را از آنها هدر می‌دهد و نمی‌توانند که با آنها مواجه نشوند، اما آن سبب خستگی روحی و جسمی آنها می‌شود. همچنین هدر دادن اوقات آنها هنگام روبه‌رو شدن با مردم (از جمله) نزدیکان تا خانواده و دوستان، سبب مشکلات بسیاری برایشان می‌شود، در حالی که چگونگی حل آنها را نمی‌دانند. هر شخصی باید برای خود ساختار مشخصی برای زندگی اش وضع نماید به گونه‌ای که بدانند آنچه را که در روز یا تعطیلی پایان هفته اش می‌خواهد انجام دهد و نیز هدفی که می‌خواهد، در پایان سال به آن برسد چیست. این امر می‌طلبد که وی جدولی درست کند که براساس آن حرکت کند تا بتواند نظم را در زندگی اش ثبت کند (وارد زندگی اش کند).»
۳۶. [گزینه] درست را مشخص کن: از مهم‌ترین امور در ساماندهی به زندگی...
- تعیین اهداف به خاطر اجتناب از نظم در اداره زندگی است!
  - ثبت اوقات فراغت و مشخص کردن آنهاست تا فراموششان نکنیم!
  - این است که انسان به تهیه برنامه‌ها یا جدول‌هایی برای کارهای روزانه، هفتگی و سالانه‌اش بپردازد!
  - زیاد شدن رغبت در توجه به چگونگی سپری کردن اوقات فراغت است در حالی که آن در زندگی بسیار است!
۳۷. [گزینه] درست را مشخص کن: کسی که طبق ساختار مشخصی در زندگی حرکت می‌کند...
- مشکلاتش و سختی اش در پایان کارش کم می‌شود!
  - نیاز به جدولی منظم برای تقسیم وقت‌های هدر رفته خود ندارد!
  - از هر چیزی که می‌خواهد آن را در روزهای آینده (در پیش رو) انجام دهد، دوری می‌کند!
  - به آن اوقات فراغتی که از دستش می‌رود و آن را ثبت نمی‌کند، اهمیت نمی‌دهد!
۳۸. نتایج نداشتن نظم در زندگی چیست؟ [گزینه] نادرست را مشخص کن:
- نداشتن احساس راحتی!
  - عدم زیان در اداره امور زندگی!
  - پرداختن به کارهایی که فایده ندارد و از چیزی بی‌نیاز نمی‌کند!
  - افزایش هدر دادن اوقات در روبه‌رو شدن با دیگران!



۳۹. گزینه نامناسب برای عنوان متن را مشخص کن:

- (۱) فرصت‌ها به سرعت از دست می‌روند!
- (۲) زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست!
- (۳) هر کس بدی بکارد، بدی برداشت می‌کند!
- (۴) هر کس از هوای نفسش پیروی کند، اوقات فراغتش زیاد می‌شود!

۴۰. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) الحرفان الزائدان: «ت ی» ← الحرف الزائد: «ی» [«تَضَيِّع» فعل مضارع از باب «تفعیل» است و دارای یک حرف زائد است.]
- (۲) للمفرد المذكر المخاطب ← للمفرد المؤنث الغائب [«تَضَيِّع» فعل مضارع صيغة «مفرد مؤنث غایب» (للاغائبه: هي) است.]
- (۳) له حرفان زائدان ← له حرف زائد [«تَضَيِّع» از باب «تفعیل» است و دارای یک حرف زائد است.]

۴۱. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) مجهول ← معلوم [«النَّظْم» مفعول فعل «يُسَجَّل» است و هر فعلی هم که مفعول داشته باشد، معلوم است و آمدن مجهول و مفعول با هم در یک گزینه اشتباه است.]
- (۳) الماضي التَّقلي ← المضارع الاتزامي [فعل مضارع پس از حرف «أَنْ» به صورت «مضارع التزامي» ترجمه می‌شود.]
- (۴) فاعله «النَّظْم» ← مفعوله «النَّظْم» [با توجه به حرکت فتحه آخر کلمه «النَّظْم» می‌توان فهمید که فاعل نیست؛ زیرا اگر فاعل بود باید ضمّه می‌گرفت.]

۴۲. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) جمع مؤنث سالم ← جمع مکسر أو تکسير
- (۳) جمع سالم للمؤنث ← جمع مکسر أو تکسير
- (۴) «مفرده: وقت، مؤنث» ← «مفرده: وقت، مذکر»

۴۳. - لکثیر ← لکثیر [حرف جر «لِ» بر سر «اسم‌ها» به صورت «لِ» نوشته می‌شود و تنها بر سر ضمیرها به صورت «لِ» نوشته می‌شود: له، لهم، لَنَا، ...]

- مُلَمَّعات ← مُلَمَّعات [«مُلَمَّع» اسم مفعول است و حرکت عین الفعل آن باید فتحه باشد.]

۴۴. (۱) کتاب: بوستان دانشمند است که از آن میوه‌های گوناگونی می‌گیرد!

- (۲) حاجی: حاجیان در هر سال برای عبادت خدا آهنگ آن را می‌کنند! [این توضیح برای کلمه «الحج» مناسب است.]
- (۳) روزنامه‌نگار: کسی است که روزنامه را هر صبح و شام می‌خواند! [نادرست است.]
- (۴) ملافه: نوعی از پارچه است که آن را برای خشک کردن صورت بعد از شستن آن به کار می‌بریم! [این توضیح برای کلمه «مِنْشَفَة: حوله» مناسب است.]

۴۵. [گزینه] درست را برای جای خالی مشخص کن: ترجمه عبارت: «وارد اتاق شدم و آن را خالی یافتم، پس به ..... چراغ‌ها اقدام کرد.»

- (۱) نگهداری
- (۲) خاموش کردن
- (۳) شکستن
- (۴) خریدن

۴۶. در (۳) کلمه «شَرٌّ» به معنی «بدی» است و اسم تفضیل نیست. ترجمه: «هیچ بدی نیست جز اینکه دفع آن با تدبیر ممکن است!»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نادانی ما بدترین دشمنان ماست اگر آن را بشناسیم!
- (۲) یأس و ناامیدی بدترین چیزها برای ویران کردن زندگی بشر است!
- (۴) شرک به خدا از بدترین کارهایی است که ما را از او دور می‌کند!



۴۷. در (۴) کلمه «الزُّوَار» که جمع «الزَّائِرُ: زیارت‌کننده» است، اسم فاعل می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) الكَذَابُ / الحَفَارُ (چاه‌کن؛ شغل و حرفه)

(۲) العَلَامَةُ (بسیار دانا)

(۳) اللُّوَامَةُ (بسیار سرزنشگر)

۴۸. در گزینه (۱) فعل «ضَرَنِي» دارای نون وقایه است: ضَرَّ (ضرر) + نون وقایه + ضمیر «ی»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) «يَتَمَنَّى» از ریشه «ن م ی» است و حرف «ن» جزء حروف اصلی آن است و نون وقایه ندارد.

(۳) «لَمْ تُعِينِي» از ریشه «ع و ن» است و حرف «ن» جزء حروف اصلی آن است و نون وقایه نیست. [در اصل «تُعِينِن» بوده که حرف «ن» آن به خاطر حرف «لَمْ» حذف شده است.]

(۴) «يَبِينِي» از ریشه «ب ن ی» است و حرف «ن» جزء حروف اصلی آن است و نون وقایه نیست.

۴۹. در (۲) «من» ادات شرط، «ضحك» فعل شرط و «فإنه...» جواب شرط است. ترجمه عبارت: «هر کس به ما بخندد

تا ما را اذیت کند، بی‌فرهنگ (کم‌فرهنگ) است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «من» در این عبارت «استفهام (پرسشی)» است. ترجمه: «چه کسی در خیابان اخلاقلگری کرد و به پیاده‌ها زبان رساند؟»

(۳) «من» در این عبارت موصل است. ترجمه: «کسی را که به کوشش وابستگی دارد دوست دارم، زیرا او پیوسته در زندگیش موفق است.» [«من» شرط در ابتدای جمله می‌آید.]

(۴) اگر «من» در این گزینه ادات شرط می‌بود، باید حرف «ن» آخر فعل مضارع «يجتهدون» را حذف می‌کرد.

۵۰. صورت سؤال «لانفی جنس» را می‌خواهد، چرا که «لانفی جنس» چیزی را به طور کامل نفی می‌کند و شدت نفی را

می‌رساند. در میان گزینه‌ها تنها «لاخیر» در (۱) «لانفی جنس» است. اسم بعد «لانفی جنس» «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد و حرف آخر آن حرکت فتحه «ـه» می‌گیرد و به معنی «هیچ... نیست» می‌باشد.

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هیچ خیری در دروغ نیست!

(۲) نه، تو دروغ نمی‌گویی!

(۳) نه بدی‌ای را می‌خواهم و نه فتنه‌ای را!

(۴) نه به دروغ تمایل دارم و نه غیبت!

## رشته انسانی خارج از کشور

۲۶. يقول الكافر: كافر می‌گوید (رد گزینه ۲) / یا لیتنی كنت تراباً: ای کاش خاک بودم (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳) ←

(عربی دوازدهم، درس ۱، صفحه ۶ ترجمه) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «از خاک» نادرست است.

گزینه «۲»: «کافری گفت - خاک بودی» نادرست است.

گزینه «۳»: «ای آرزوی من - تو از خاک بودی» نادرست است.

۲۷. إذا: هرگاه (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / يلتزم الإنسان بالصدق: انسان پایبند راستگویی باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴)

/ يتخلص من كل السيئات: از همه بدی‌ها رها می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) / التي تضره: که به او ضرر می‌رساند. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) ← (عربی یازدهم، درس ۲، ترجمه)

۲۸. الاحترام لا يدل على الحب دائماً: احترام گذاشتن، همیشه بر دوست داشتن دلالت نمی‌کند. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

و (۴) / إنما يدل على حسن التربية: فقط بر تربیت خوب دلالت دارد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) / فأحترم و لو كنت لا تحب:

پس احترام کن اگرچه دوست نداشته باشی. (رد گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴) ← (عربی دوازدهم، درس ۳، ترجمه)



۲۹. **۲۲** من یتوقّف فی الماضي: هرکس در گذشته متوقف شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / یمکن أن یفقد مستقبله: ممکن است آینده‌اش را از دست بدهد. (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) / الّذی یستطیع أن یکون أساس حیاته: که می‌تواند پایه زندگی‌اش باشد. ← (عربی یازدهم، درس ۳ و ۶، ترجمه)
۳۰. **۲۱** یُحَدِّثُ مَنْ یزرع العداوة: به کسی که دشمنی می‌کارد هشدار داده می‌شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / من انّه لن یحصد إلاّ الخسارة: به این که او فقط خسارت درو خواهد کرد (رد گزینه ۴) / فلیتنبه: پس باید آگاه باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) ← (عربی دهم، یازدهم و دوازدهم، ترکیبی، ترجمه) بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۲»: «هشدار می‌دهیم» از موارد نادرست است.  
گزینه «۳»: «باید او را آگاه کرد» نادرست است.  
گزینه «۴»: «بیمناک می‌شود» نادرست است.
۳۱. **۲۳** إن تحقّق: اگر محقق شود «چنانچه محقق شود» (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / فسُشاهد الکائناتُ الحیّة: موجودات زنده خواهند دید. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / الاستقرار: آرامش ← (عربی یازدهم، درس ۳، ترجمه) بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: «آرامش را در موجودات زنده خواهند دید»: از موارد نادرست است.  
گزینه «۲»: «وجود داشته باشد» از موارد نادرست است.  
گزینه «۳»: «برقرار باشد» از موارد نادرست است.
۳۲. **۲۱** إن لم یکن أیّ خطر و صعوبة: اگر هیچ‌گونه خطر و سختی نباشد / فی استخراج النّفط: در استخراج نفت (رد گزینه ۴) / لقد أصبح سعزّه رخیصاً جداً: بهای آن بسیار ارزان می‌شود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴) ← (عربی یازدهم، درس ۳ و ۷، ترجمه)
۳۳. **۲۴** علی الوالدین أن یُحَمِّلَا أولادهما: (والدین باید بر فرزندان‌شان تحمیل نکنند) - ما لیس لهم طاقةً به: چیزی را که طاقتش را ندارند. (درست) ← (عربی یازدهم، ترجمه) بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۱»: «صورت صحیح: «ما باید بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود ببریم.»  
گزینه «۲»: «صورت صحیح: «دوستی دارم که بسیار مشتاق زیارت حرمین شریفین است.»  
گزینه «۳»: «صورت صحیح: «هر کس قبل از این که سخن بگوید، فکر کند، از خطا دور می‌شود.»
۳۴. **۲۱** إني قد قبلتُ: من پذیرفته‌ام / مسؤولیة إطفاء: مسئولیت خاموش کردن / مکث الهواء: کولر / بعد أن تفرغ المكتبة من الطّلاب: بعد از خالی شدن کتابخانه از دانش‌آموزان «یا» بعد این که کتابخانه از دانش‌آموزان خالی شود. ← (ترجمه، عربی دهم، یازدهم و دوازدهم، ترکیبی) بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه «۲»: «صورت صحیح: «این دانش‌آموز هر روز در صف صبحگاهی قرآن می‌خواند.»  
گزینه «۳»: «صورت صحیح: «اگر در ابتدای کار موفق شویم، تلاش مفهومی ندارد.»  
گزینه «۴»: «صورت صحیح: «وقتی مادرم غذا را آورد، از او بسیار تشکر کردم.»
۳۵. **۲۲** إیّاك و مصادقة الكذاب: از دوستی کردن با دروغ‌گو بپرهیز (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / فإنّه کالسرّاب: که او چون سراب است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴) ← (عربی یازدهم، درس ۲، صفحه ۲۶)

#### ترجمه متن

در یکی از ایستگاه‌ها، گاندی به سرعت با سایر مسافران به سوی قطار می‌دوید تا به آن برسد. قطار شروع به حرکت کرد که باعث شد گاندی [به سرعت حرکت کند و نزدیک به رسیدن به قطار شد]. پس به گونه‌ای پرید که توانست از قطار بالا برود. در این هنگام گاندی خندید زیرا دید پرش باعث افتادن یکی از دو کفشش به بیرون قطار شده است بدون آن که بفهمد، پس زیاد درنگ نکرد و کفش دوم را درآورد و آن را به سرعت پرتاب کرد تا نزدیک کفش اول قرار گیرد. مسافران از این کار او تعجب کردند و از علت آن پرسیدند؛ مهاتما گاندی جواب داد: نخواهم توانست کفشی که از پایم افتاده بیاورم همان‌طور که نمی‌توانم از کفش دوم هم اگر به پایم باشد استفاده کنم بنابراین آن را به بیرون انداختم شاید هر دو را پیدا کند و از هر دو استفاده کند.





۳۶. ﴿قَدْ﴾ «چه زمانی گاندی اقدام به پرش به سمت قطار کرد؟» ← «وقتی به آن نزدیک شد» در متن آمده است که «إلی أن قُرْب من اللّٰحق به، فقفز)» ← (درک مطلب، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «وقتی پس از یک ساعت به آن رسید» نادرست است.

گزینه «۳»: «وقتی شروع کرد به سرعت به سمت آن حرکت کند» نادرست است.

گزینه «۴»: «پیش از این که قطار حرکت کند» نادرست است.

۳۷. ﴿قَدْ﴾ «چه زمانی و به کجا، کفش دوم را پرتاب کرد؟». «به مجرد این که مستقر شد، آن را به بیرون قطار پرتاب کرد.» درست است. ← (درک مطلب، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «وقتی به سوی قطار پرید، آن را به خارج قطار پرتاب کرد» نادرست است.

گزینه «۲»: «پس از این که بسیار فکر کرد، آن را نزدیک کفش اول پرتاب کرد» نادرست است.

گزینه «۴»: «به مجرد این که قطار شروع به حرکت کرد، آن را به سمت کفش اول پرتاب کرد.» نادرست است.

۳۸. ﴿قَدْ﴾ جواب سؤال «مهاتما گاندی بعد از این که در قطار مستقر شد، دو کفشش را پرتاب کرد.» است زیرا کفش اولش بدون این که او بفهمد حین پریدن از پایش افتاده بود. ← (درک مطلب، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ترجمه «گاندی پیش از رسیدن به ایستگاه قطار نمی‌دوید.»، جواب نیست.

گزینه «۲»: «ترجمه «در موعد معین نرسید و مانند دیگران نتوانست سوار شود.»، جواب نیست.

گزینه «۳»: «ترجمه «گاندی نتوانست سوار قطار شود مگر بعد از این که در آن پرید.»، جواب نیست.

۳۹. ﴿لَمْ يَكُن﴾ لم یکن شیخاً؛ گاندی پیر نبود. زیرا اگر پیر بود آن گونه نمی‌توانست دود و ببرد. (درک مطلب، ترکیبی)

۴۰. ﴿فَعَلَ﴾ فعل «ابتسم»، ماضی للغائب و مزید ثلاثی از باب افتعال و لازم و دارای دو حرف زائد و فاعلش «گاندی» است. (تحلیل صرفی و محل اعرابی، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «متعدّ»، نادرست است.

گزینه «۳»: «حروف الأصلية (ت، س، م) نادرست است. چرا که «حروف الأصلية (ب، س، م) می‌باشد.

گزینه «۴»: «له حرف زائد واحد» نادرست است.

۴۱. ﴿فَعَلَ﴾ فعل «تعجب»، ماضی للغائب از باب تفعل و دارای دو حرف زائد (ت، ج)، لازم و فاعلش «الركاب» است. (تحلیل صرفی و محل اعرابی، ترکیبی) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «للمؤنث الغائب» نادرست است.

گزینه «۳»: «من باب تفعیل» نادرست است.

گزینه «۴»: «متعدّ» نادرست است.

۴۲. ﴿قَفَّرَ﴾ «قفرة»، اسمی نکره و معرب و مصدر و مؤنث از فعل (قَفَّرَ = ثلاثی مجرد) و مفعول مطلق نوعی یا بیانی است. (تحلیل صرفی و محل اعرابی، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مبني» نادرست است.

گزینه «۲»: «مبني» نادرست است.

گزینه «۳»: «مفعول مطلق للتأکید» نادرست است.



۴۳. در گزینه ۴، کلمات «تُحَدَّثُ» و «مُصَدِّقٌ»، نادرست‌اند و شکل صحیح آن‌ها «تُحَدِّثُ» و «مُصَدِّقٌ» (ضبط حرکات، ترکیبی)

۴۴. «کودکی را که زباله‌ها را روی زمین زینت داده بود، نصیحت کردم»، نادرست است. (مفهوم، ترکیبی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «کودکی را که زباله‌ها را روی زمین پرتاب کرده بود نصیحت کردم» درست است.

گزینه «۳»: «کودکی را که زباله‌ها را روی زمین انداخته بود نصیحت کردم» درست است.

گزینه «۴»: «کودکی را که زباله‌ها را روی زمین رها کرده بود نصیحت کردم» درست است.

۴۵. «لوله: نفت به واسطهٔ آن از اعماق چاه به سطح زمین بالا می‌آید» درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ملافه: قطعه‌ای پارچه‌ای است که برخی از زنان آن را می‌پوشند.» نادرست است.

گزینه «۲»: «سردرد: دردی در بینی است که انواع و علل آن متفاوت است.» نادرست است.

گزینه «۴»: «گردو: میوه‌ای است که پوستش سخت است و آن را با پنیر می‌خوریم بدون این که آن را بشکنیم» نادرست است.

(تعریف کلمات، عربی دهم، درس ۳ - عربی یازدهم درس ۳)

۴۶. فعل «بیتقل» که ماضی آن «انتقل» است، حروف اصلی آن «نقل» است و حرف نون جزء حروف اصلی آن است.

(عربی دهم، درس ۳، قواعد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: فعل «لاتنقطع» از حروف اصلی «ق . ط . ع» تشکیل شده و نون ندارد.

گزینه «۳»: فعل «بنطق» از حروف اصلی «ط . ل . ق» تشکیل شده و نون ندارد.

گزینه «۴»: فعل «ینکسر» از حروف اصلی «ک . س . ر» تشکیل شده و نون در حروف اصلی آن نیست.

۴۷. در گزینه ۳، نائب فاعل، جمع مکسر نیست زیرا فعل مجهول آن (خُلِقَ) است و نائب فاعل آن، ضمیر مستتر (هُوَ) می‌باشد نه اسم ظاهر. (قواعد نائب فاعل، عربی دهم، درس ۷)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فعل مجهول تَمَرَّزَ و نائب فاعل آن «أفواه» که جمع مکسر «فم» است، درست است.

گزینه «۲»: فعل مجهول ملئت و نائب فاعل آن «قلوب» که جمع مکسر «قلب» است، درست است.

گزینه «۴»: فعل مجهول تَعَدَّ و نائب فاعل آن «الأصوات» که جمع مکسر «صوت» است، درست است

۴۸. در فعل «استعینی»، حرف نون جزء حروف اصلی خود فعل است و نون وقایه نیست. این فعل، مربوط به صیغه

للمخاطبة (مفرد مؤنث مخاطب) است. (قواعد نون وقایه، عربی دهم، درس ۸)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «حفظت + ن + ی ← حفظتني» درست است.

گزینه «۳»: «من + ن + ی ← منی» درست است.

گزینه «۴»: «نصر + ن + ی ← نصرنی» درست است

۴۹. اگر «لیت: ای کاش» را در نقطه‌چین اول و «لعل: امید است» را در نقطه‌چین دوم بگذاریم، معنای جمله کامل

می‌شود: «ای کاش دوستم با استاد مشورت کند، امید است به او در زندگی سود برساند.» درست است. در حالی که اگر

(آن: که) و (لکن: ولی) را در نقطه‌چین‌ها بگذاریم برای آغاز جمله مناسب نیستند و به همین دلیل گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴

نادرست‌اند. (قواعد حروف مشبیه بالفعل، عربی دوازدهم، درس ۱)

۵۰. «لا» در گزینه ۳، لای نفی جنس می‌باشد و با سایر گزینه‌ها متفاوت است. در گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴، «لا» لای نفی

مضارع است. (قواعد لای نفی جنس، عربی دوازدهم، درس ۱)